

خطبه روز عید فطر

مَوْعِظَةُ الْمُتَّقِينَ ، كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ

پند پر هیز گاران، کتاب خدا نیرومند حکیم است، پناه می برم به خدا از

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ . قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ،

شیطان رانده شده، به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، بگو او خدای یکتا

اللَّهُ الصَّمَدُ ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . سپس

و بی نیاز است، نزاده و زاده نشده است، واحدی همتایش نبوده است.

اندکی پس از فراغ از خطبه، مانند کسی که شتاب داشته باشد می نشیند، آنگاه برخاسته، خطبه دوم را می خواند، و این همان خطبه ای است که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در روز جمعه، پس از نشستن و برخاستن از خطبه اول می خواندند، و آن خطبه این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ ،

ستایش خدای را، او را می ستاییم، و از او کمک می خواهیم، و به او ایمان می آوریم، و بر او توکل می کنیم،

وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

گواهی می دهیم که، معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی برایش نیست، و گواهی می دهیم که محمد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

بنده و فرستاده اوست، درود و سلام

وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ ، عَبْدِكَ

و رضوان خدا بر او و بر خاندانش باد. خدایا درود فرست بر محمد بنده

وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ ، صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً ، تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ ،

و رسول و پیامبرت، درودی افزاینده و پاکیزه، که درجه اش را به آن بالا ببری،

وَتُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُ ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ عَلَى

و برتری اش را آشکار نمایی، و درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و برکت ده بر

خطبه روز عید فطر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

محمد و خاندان محمد، چنان که درود فرستادی و برکت دادی، و رحم کردی بر ابراهیم

وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ ؛ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ . اَللّٰهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَةَ أَهْلِ

و خاندان ابراهیم، به درستی که تو ستوده و بزرگواری. خدایا عذاب کن کافران اهل

الْكِتَابِ ، الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ ، وَيَجْحَدُونَ آيَاتِكَ ،

کتاب را آنان که بندگانند، را از راه تو باز می دارند، و آیات را انکار می کنند،

وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ . اَللّٰهُمَّ خَالَفَ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، وَآلَقِ الرَّعْبَ فِي

و تکذیب می نمایند رسولانت را، خدایا در میانشان اختلاف کلمه قرار ده، و در

قُلُوبِهِمْ ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ ، وَنَقِمَتَكَ وَبَأْسَكَ ، الَّذِي

دلهایشان هراس انداز، و فرود آور بر آنان عذاب و انتقام و شکنجهات را،

لَا تَرُدَّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ . اَللّٰهُمَّ أَنْصُرْ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ ،

شکنجهای که از مردم بدکار باز نگردانی. خدایا سپاهیان مسلمانان

وَسَرَايَاهُمْ وَمُرَاطِطِيهِمْ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ؛ إِنَّكَ عَلَىٰ

و گروه های آنان، و مرزدارانشان را، در مشرقها و مغربهای زمین یاری کن، به درستی که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِينَ

هر چیز توانایی، خدایا مردان و زنان مؤمن و مسلمان

وَالْمُسْلِمَاتِ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَىٰ زَادَهُمْ ، وَالْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ

را بیامرز، خدایا تقوا را زادشان، و ایمان و حکمت را

فِي قُلُوبِهِمْ ، وَأَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ ، الَّتِي أَنْعَمْتَ

در دلهایشان قرار ده، و به آنان الهام فرما و سپاسگزاری نعمت را که

عَلَيْهِمْ ، وَأَنْ يَوْفُوا بِعَهْدِكَ ، الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ ؛ إِلَهَ الْحَقِّ

به ایشان عنایت کردی، و وفاداری به عهد را که با آنان عهد کردی، ای معبود حق

وَخَالِقِ الْخَلْقِ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِمَنْ تُوَفَّى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و آفریدگار خلق، خدایا بیامرز، آنانی را که در گذشته اند؛ از مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ، وَلِمَنْ هُوَ لَاحِقٌ بِهِمْ ، مِنْ

و زنان مؤمن و مسلمان، و هر که پس از ایشان به آنها

بَعْدِهِمْ مِنْهُمْ ؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ

ملحق می شود، به درستی که تو نیرومند و حکیمی، همانا خدا امر می کند به عدالت

وَالْإِحْسَانِ ، وَآيَتَاءِ ذِي الْقُرْبَى ، وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ

و نیکی، و بخشش به خویشان، و نهی می کند، از بدی اشکار،

وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ؛ يَعْظُمُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ . اذْكُرُوا اللَّهَ

و زشتی پنهان، و تجاوز، به شما پند می دهد، تا شاید متذکر شوید، خدا را یاد کنید،

يَذْكُرْكُمْ ، فَإِنَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ ، وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ

تا یادتان کند، به درستی که او یاد کننده کسی است که یادش کند، و از رحمت

وَفَضْلِهِ ، فَإِنَّهُ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ دَاعٍ دَعَاهُ . ﴿ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا

و فضل او بخواهید، که ناامید نشود از او هیچ خواننده ای که او را بخواند، پروردگارا به ما در دنیا

حَسَنَةً ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

خوبی عنایت کن، و در آخرت حسنه عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ حفظ کن.

سَوِّم: زیارت جامعۀ ائمه مؤمنان است، که هر امامی را، در

هر زمان از ماهها و ایام، می توان به آن زیارت کرد، و این

زیارت را سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» با

مقدماتی از دعا و نماز، در وقت رفتن به سفر زیارت، از ائمه

علیهم السلام روایت کرده و فرموده است: چون خواستی غسل

زیارت کنی، در وقتی که غسل می کنی بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ،

به نام خدا، و به خدا،

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ . اَللّهُمَّ اغْسِلْ عَنِّي ذَرْئَ

و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا. خدایا از من ناپاکی

الذُّنُوبِ ، وَوَسَخَ الْعُيُوبِ ، وَطَهِّرْني بِمَاءِ التَّوْبَةِ ، وَابْسِنِي رِداءَ

گناهان، و الودگی عیوب را بشوی، و به آب توبه پاکیزه ام کن، و جامه خودداری بر وجودم

العِصْمَةِ، وَآيَدِنِي بِلُطْفٍ مِنْكَ، يُوفِّقُنِي لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ؛ إِنَّكَ

بیوشان، و به لطفی از جانب خود یاری ام کن، که مرا موفق نماید به اعمال شایسته، به درستی که تو

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. پس هرگاه به در حرم مطهر نزدیک

دارنده فضل بزرگی.

شَدَى بَکُو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِقَصْدِ وَلِيِّهِ، وَزِيَارَةِ

ستایش خدای را، که مرا به قصد ولیّش، و زیارت

حُجَّتِهِ، وَأَوْرَدَنِي حَرَمَهُ، وَلَمْ يَبْخَسْنِي حَظِّي مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ،

حجّتش موفق نمود، و به حرم او وارد ساخت، و بهره ام را از زیارت بارگاهش،

وَالنُّزُولِ بِعَقْوَةِ مُغِيبِهِ، وَسَاحَةِ تَرْبَتِهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و فرود آمدن به کوی دور از انظارش، و آستانه تربتش، نکاست ستایش خدای را،

لَمْ يَسْمَنْ بِحَرَمَاتٍ مَا أَمَلْتُهِ، وَلَا صَرَفَ عَنِّي مَا رَجَوْتُهُ،

که به محرومیت از آنچه آرزو داشتم داغدارم نکرد، و آنچه را به آن امید داشتم از من بازنگرداند،

وَلَا قَطَعَ رَجَائِي فِيمَا تَوَقَّعْتُ، بَلْ أَلَبَسَنِي عَافِيَتَهُ، وَأَفَادَنِي نِعْمَتَهُ،

و امیدم را در آنچه متوقع بودم قطع نکرد، بلکه لباس عافیت را به وجودم پوشاند، و از نعمتش بهره مند نمود،

وَأَتَانِي كَرَامَتُهُ. پس هرگاه وارد حرم شدی در برابر ضریح

و از کرامتش به من عنایت فرمود.

مَقْدَسٍ بَايَسْتُ وَبَکُو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَادَةَ

سلام بر شما پیشوایان مؤمنان، و سروران

الْمُتَّقِينَ، وَكِبَرَاءَ الصِّدِّيقِينَ، وَأَمْرَاءَ الصَّالِحِينَ، وَقَادَةَ

پرهیزگاران، و بزرگان صدیقان، و امیران صالحان، و رهبران

الْمُحْسِنِينَ، وَ أَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ، وَأَنْوَارَ الْعَارِفِينَ، وَوَرَثَةَ

نیکوکاران، و نشانه های راه یافتگان، و نورهای عارفان، و وارثان

الْأَنْبِيَاءِ، وَصَفْوَةَ الْأَوْصِيَاءِ، وَشُمُوسَ الْأَتَقِيَاءِ، وَبُذُورَ

پیامبران، و برگزیده جانشینان، و خورشیدهای پرهیزگاران، و ماههای کامل

الْخُلَفَاءِ، وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ، وَشُرَكَاءَ الْقُرْآنِ، وَمَنْهَجَ الْإِيمَانِ،

جانشینان، و بندگان رحمان، و شریکان قرآن، و راه ایمان،

وَمَعَادِنَ الْحَقَائِقِ ، وَشُفَعَاءَ الْخَلَائِقِ ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ ؛

و سرچشمه های حقایق، و شفیعان خلایق، و رحمت و برکات خدا بر شما باد،

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ ، وَمَفَاتِيحُ رَحْمَتِهِ ، وَمَقَالِيدُ مَغْفِرَتِهِ ،

گواهی می دهم که شما میدان درگاههای خدا، و کلیدهای رحمتش، و وسائل آمرزشش،

وَسَحَائِبُ رِضْوَانِهِ ، وَمَصَابِيحُ جَنَانِهِ ، وَحَمَلَةٌ فُرْقَانِهِ ، وَخَزَنَةٌ

و ابرهای خشنودی اش، و چراغهای بهشتش و حاملان قرانش، و خزانه داران

عِلْمِهِ ، وَحَفَظَةُ سِرِّهِ ، وَمَهْبِطُ وَحْيِهِ ، وَعِنْدَكُمْ أَمَانَاتُ النُّبُوَّةِ ،

علمش، و حافظان رازش، و فرودگاه وحی اش، و امانت های نبوت،

وَوَدَائِعُ الرِّسَالَةِ ؛ أَنْتُمْ أُمْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاءُؤُهُ ، وَعِبَادُهُ وَأَصْفِيَائُؤُهُ ،

و سپرده های رسالت نزد شماست، شما پادشاهان خدا، و دوستان و بندگان و عباد و برگزیدگان

وَأَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ ، وَأَرْكَانُ تَجْدِيدِهِ ، وَدُعَاتُهُ إِلَى كُتُبِهِ ،

و یاران توحیدش، و پایه های تمجیدش، و خوانندگان به سوی کتابهایش،

وَحَرَسَةُ خَلَائِقِهِ ، وَحَفَظَةُ وَدَائِعِهِ ، لَا يَسْبِقُكُمْ ثَنَاءُ

و پاسداران خلایقش، و نگهبانان و ودیعه هایش، ثنای فرشتگان

الْمَلَائِكَةِ فِي الْإِخْلَاصِ وَالْخُشُوعِ ، وَلَا يُضَادُّكُمْ ذُؤَابِتُهُالِ

نسبت به خدا، در اخلاص و فروتنی از شما پیشی نگیرد، و صاحب زاری و فروتنی با شما ضدیت ننماید،

وْخُضُوعِ ، أَنْتَ وَلَكُمْ الْقُلُوبُ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ

از کجا توانند؟ و حال آنکه برای شما دلهایی است، که خدا عهده دار تهذیب آنها با بیم

وَالرَّجَاءِ ، وَجَعَلَهَا أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ ، وَأَمْنَهَا مِنْ عَوَارِضِ

و امید شده است، و آنها را ظرفهایی برای شکر و ثنا قرار داد، و از عارضه های

الْغَفْلَةِ ، وَصَفَّاهَا مِنْ سُوءٍ [شَوَاعِلِ] الْفِتْرَةِ ، بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ

غفلت ایمن نموده، و از بدی سستی تصفیه کرده است، بلکه اهل آسمانها به خدا

السَّمَاءِ بِمُحِبَّتِكُمْ ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ ، وَتَوَاتُرِ الْبُكَاءِ عَلَى

تقرب می جویند، به دوستی شما، و به بیزاری از دشمنانتان، و پی در پی گریستن به

مُصَابِكُمْ ، وَالِاسْتِغْفَارِ لِشِعَتِكُمْ وَمُحِبِّيَكُمْ ، فَإِنَّا أَشْهَدُ اللَّهَ

مصیبتهایتان، و آمرزش خواهی برای شیعیان و دوستانتان، من گواه می گیرم خدا را

خَالِقِي، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ، وَأَشْهَدُكُمْ يَا مَوَالِيَّ: أَنِّي

که آفریننده من است، و گواه می گیرم فرشتگان و پیامبران را، و گواه می گیرم شما را ای سرپرستان من، که من

مُؤْمِنٌ بِوَلَايَتِكُمْ، مُعْتَقِدٌ لِإِمَامَتِكُمْ، مُقَرِّرٌ بِخِلَافَتِكُمْ،

به ولایت شما مؤمنم، و به امامت شما معتقدم، و به خلافت شما اقرار دارم،

عَارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ، مُوقِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ، خَاضِعٌ لَوْلَايَتِكُمْ،

و به مقام شما عارفم، و به معصوم بودن شما یقین دارم، و نسبت به ولایت شما فروتنم،

مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ

به دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، به سوی خدا تقرب می جویم، آگاهم به اینکه خدا

قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَوَاحِشِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَمِنْ كُلِّ

شمارا پاک کرده از زشتیهای آشکار و پنهان، و از هر

رَيْبَةٍ وَنَجَاسَةٍ، وَدَنِيَّةٍ وَرَجَاسَةٍ، وَمَنْحَكُمْ رَايَةَ الْحَقِّ، الَّتِي

شک و دودلی، و آلودگی و پستی و پلیدی، و به شما عطا کرده پرچم حقی را که هر که

مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ، وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى

بر آن پیشی بسته همراه شده است، و هر که از آن عقب مانده، لغزیده است، و طاعت شما را بر

كُلِّ أَسْوَدَ وَأَبْيَضَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَذِمَّتِهِ،

هر سیاه و سپیدی واجب نموده است، و گواهی می دهم که شما به عهد و پیمان خدا و به

وَبِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ (اشْتَرَطَهُ) عَلَيْكُمْ فِي كِتَابِهِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى

هر چه در کتابش بر شما شرط کرده بود وفا کردید، و به راه خدا

سَبِيلِهِ، وَأَنْفَذْتُمْ طَاقَتَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى

خواندند، و نیروی خود را در خشنودی اش صرف نمودید، و خلایق را بر

مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ، وَمَسَالِكِ الرِّسَالَةِ، وَسَرِّتُمْ فِيهِ بَسِيرَةَ الْأَنْبِيَاءِ،

طریق نبوت، و راههای رسالت و اداشتید، و در این راه به روش پیامبران،

وَمَذَاهِبِ الْأَوْصِيَاءِ، فَلَمْ يُطِعْ لَكُمْ أَمْرٌ، وَلَمْ تُصْغَعْ إِلَيْكُمْ أُذُنٌ،

و روشهای جانشینان قدم برداشتید، اما فرمانی از شما پیروی نشد، و گوشی در برابر سخنان شما برای گوش دادن

فَصَلَّوْا تُ اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ. پس خود را به قبر

قرار نگرفت، دروذهای خدا بر ارواح و اجسادتان.

مَنوَر می چسبانی و می گویی: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّةَ اللَّهِ، لَقَدْ

پدر و مادرم به فدایت ای حجت خدا، تواز

أَرْضِعْتَ بِشَدِي الْإِيمَانَ ، وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْإِسْلَامِ،

سینه ایمان شیر داده شدی، و به نور اسلام از شیر بازت داشتند،

وَ غُذِّيتَ بِبَرْدِ الْيَقِينِ، وَالْإِسْتِ حُلَّ الْعِصْمَةِ،

و با خنکای یقین تغذیه شدی، و جامه های عصمت

وَاصْطُفِيتَ وَوَرِّثْتَ عِلْمَ الْكِتَابِ، وَلَقِّنْتَ فَصْلَ الْخِطَابِ،

به تو پوشانده شد، و علم کتاب را وارث گشتی، و به جداسازی حق و باطل تلقین شدی،

وَ اَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفُ التَّنْزِيلِ، وَ غَوَامِضُ التَّأْوِيلِ ،

و با منزلت معارف قرآن، و مشکلات تأویل روشن شد،

وَ سُلِّمَتْ إِلَيْكَ رَايَةُ الْحَقِّ، وَكَلِّفْتَ هِدَايَةَ الْخَلْقِ ، وَ نُبِذَ

و پرچم حق تسلیم تو گشت، و هدایت بندگان به تو تکلیف شد،

إِلَيْكَ عَهْدُ الْإِمَامَةِ، وَالزِّمْتُ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ، وَ أَشْهَدُ

و عهد امامت، در اختیار تو قرار گرفتم، و به حفظ شریعت ملزم شدی، و گواهی می دهم

يَا مَوْلَايَ ، أَنْكَ وَفَيْتَ بِشَرَائِطِ الْوَصِيَّةِ ، وَقَضَيْتَ

ای مولایم که تو به شرایط وصیت وفا کردی،

مَا لَزِمَكَ مِنْ حَدِّ الطَّاعَةِ، وَ نَهَضْتَ بِأَعْبَاءِ الْإِمَامَةِ،

و از حد اطاعت، آنچه را تکلیف داشتی انجام دادی، و به مسئولیتهای سنگین امامت قیام نمودی،

وَ احْتَذَيْتَ مِثَالَ النُّبُوَّةِ فِي الصَّبْرِ وَالْإِجْتِهَادِ، وَالنَّصِيحَةِ

و به مقام نبوت اقتدا کردی، در صبر و کوشش و خیرخواهی نسبت به

لِلْعِبَادِ، وَكَظِمَ الْغَيْظُ، وَالْعَفْوُ عَنِ النَّاسِ، وَغَزَمْتَ عَلَى الْعَدْلِ

بندگان و فروخوردن خشم و گذشت از مردم و بر عدالت

فِي الْبَرِيَّةِ، وَالنَّصْفَةِ فِي الْقَضِيَّةِ، وَكَدَّتِ الْحُجَجَ عَلَى

در میان مردم و انصاف در قضاوت مصمم شدی، و حجتها را بر

الْأُمَّةِ، بِالَدَّلَائِلِ الصَّادِقَةِ، وَالشَّرِيعَةِ النَّاطِقَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ

امت استوار ساختی با دلایل صادقانه، و شریعت گویا،

بِالْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، فَمُنِعَتْ مِنْ تَقْوِيمِ

و با حکمت رسا، و پند نیکو دعوت به خدا کردی، اما باز داشته شدی از راست کردن

الزَّيْغِ، وَسَدِّ الثُّلُمِ، وَإِصْلَاحِ الْفَاسِدِ، وَكَسْرِ الْمُعَانِدِ، وَإِحْيَاءِ

کجیها، و گرفتن رخنه‌ها، و اصلاح تباهی، و شکستن دشمن، و زنده نمودن

السُّنَنِ، وَإِمَانَةِ الْبِدْعِ، حَتَّى فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَهِيدٌ،

سنتها، و میراندن بدعتها، تا از دنیا جدا شدی در حالی که شهید بودی،

وَلَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْتَ حَمِيدٌ؛

و رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) را ملاقات نمودی در حالی که ستوده بودی،

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادَفُ وَتَزِيدُ. سِيسَ بِهِ طَرَفٍ پَائِينَ پَایِ

درودهای خدا بر تو، پیاپی شود، و افزون گردد.

مَبَارَكٌ بَرُّو وَبَكُو: يَا سَادَتِي يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي بِكُمْ أَتَقَرَّبُ

ای سروران من، ای خاندان رسول خدا، به وسیله شما

إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا، بِالْخِلَافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ، وَنَكَثُوا

به خدای جل و علا تقرب می جویم، با مخالفت کردن با آنان که به شما خیانت کردند، و پیمان بیعت شما

بِيعَتَكُمْ، وَجَحَدُوا وَلَايَتَكُمْ، وَأَنْكَرُوا مَنْزِلَتَكُمْ، وَخَلَعُوا

را شکستند، و ولایت و منزلت شما را منکر شدند، و کمند

رِبْقَةَ طَاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا أَسْبَابَ مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى

طاعت شما را از وجود خود برکنند، و وسایل دوستی شما را ترک نمودند، و به

فِرَاعِنَتِهِمْ، بِالْبَرَاءَةِ مِنْكُمْ، وَالْإِعْرَاضِ عَنْكُمْ، وَمَنْعَوْكُمْ

فرعونهایشان با بیزاری و روی گردانی از شما، نزدیک شدند، و شما را

مِنْ إِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَاسْتِصْهَالِ الْجُحُودِ، وَشَعْبِ الصَّدْعِ،

از اقامه حدود، و ریشه کن کردن انکارها، و پر کردن شکاف،

وَلَمْ الشَّعْثِ، وَسَدِّ الْخَلَلِ، وَتَثْقِيفِ الْأَوْدِ، وَامْضَاءِ الْأَحْكَامِ،

و جمع کردن پراکندگی، و بستن رخنه‌ها، و صاف کردن کجیها، و اجرای احکام،

وَتَهْذِيبِ الْإِسْلَامِ، وَقَمْعِ الْآثَامِ، وَارْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَقَعَ

و بی پیرایه ساختن اسلام، و قلع و قمع کردن گناهان بازداشتید، و بر ضد شما برانگیختند

الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ، وَأَنحُوا عَلَيْكُمْ سُيُوفَ الْأَحْقَادِ، وَهَتَكُوا

گردوغبار جنگها و آشوبها را، و شمشیرهای کینه را بر شما زدند، و پرده‌های حرمت

مِنْكُمْ السُّتُورَ، وَابْتَاعُوا بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورَ، وَصَرَفُوا

شما را دریدند، و با خمس شما شرابها خریدند، و حقوق

صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُضْحِكِينَ وَالسَّاحِرِينَ،

بیچارگان را در امر دلچکها و مسخره‌پیشه‌گان خرج کردند،

وَذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَقَةُ الْغَوَاةُ، وَالْحَسَدَةُ الْبُغَاةُ، أَهْلُ

و این امور به خاطر این بود که برای آنان راه باز کردند بدکاران گمراه، و حسودان متجاوز، اهل

النَّكثِ وَالْغَدْرِ، وَالْخِلَافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُتَنِّتَةِ مِنْ

پیمان شکنی و خیانت و خلافتکاری و نیرنگ، و دل‌های بویافته از

قَدَرِ الشِّرْكِ، وَالْأَجْسَادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ

الودگی بت پرستی، و بدنهای آنباشته از چرک کفر، آنان که

أَضَبُّوا عَلَى النِّفَاقِ، وَآكَبُّوا عَلَى عَلَائِقِ الشَّقَاقِ، فَلَمَّا مَضَى

سخت به نفاق چسبیدند، و به رشته‌های تفرقه روی آوردند، زمانی که

الْمُصْطَفَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اخْتَطَفُوا الْغِرَّةَ،

مصطفی (درود خدا بر او و خاندانش) در گذشت، غافلگیری را ربودند،

وَانْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ، وَانْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ، وَغَادَرُوهُ عَلَى فِرَاشِ

و فرصت را غنیمت شمردند، و پرده حرمت را دریدند، و او را در کمال بی‌وفایی بر بستر

الْوَفَاةِ، وَأَسْرَعُوا لِنَقْضِ الْبَيْعَةِ، وَخُخَالَفَةِ الْمَوَاقِقِ الْمُؤَكَّدَةِ،

مرگ وانهادند، و شتافتند، برای شکستن بیعت، و مخالفت پیمانهای محکم تأکیدشده،

وَخِيَانَةِ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةِ، عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ، وَابْتَأَنَ

و خیانت نسبت به امانتی که به کوههای استوار یا برجا عرضه شده بود، و آنها از اینکه آن را

تَحْمِلُهَا، وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الظَّلُومُ الْجَهُولُ، ذُو الشَّقَاقِ

حمل کنند، خودداری کردند، و آن را حمل کرد انسان به غایت ستمکار، و به شدت نادان، صاحب شکاف افکنی

وَالْعِزَّةِ بِالْآثَامِ الْمُؤَلَّمَةِ، وَالْآتْفَةِ عَنِ الْإِنْقِيَادِ لِحَمِيدِ الْعَاقِبَةِ،

و مباهات به گناهان دردناک، و گردن فراز از گردن نهادن برای دستیابی به عاقبتی ستوده،

فُخِّرَ سِفْلَةُ الْأَعْرَابِ ، وَبَقَايَا الْأَحْزَابِ ، إِلَى دَارِ النُّبُوَّةِ

پس گرد آورده شدند فرومایگان اعراب، و باقی مانده دسته های کافر، به در خانه نبوت

وَالرِّسَالَةِ ، وَمَهَبَطِ الْوَحْيِ وَالْمَلَائِكَةِ ، وَمُسْتَقَرِّ سُلْطَانِ

و رسالت، و فرودگاه وحی و فرشتگان، و قرارگاه سلطنت

الْوِلَايَةِ ، وَمَعْدِنِ الْوَصِيَّةِ ، وَالْخِلَافَةِ وَالْإِمَامَةِ ، حَتَّى نَقْضُوا

ولایت، و معدن وصیت و خلافت و امامت، تا آنکه شکستند

عَهْدَ الْمُصْطَفَى ، فِي أَخِيهِ عَلَمِ الْهُدَى ، وَالْمُبَيِّنِ طَرِيقَ

پیمان مصطفی را در حق برادرش، پرچم هدایت، و بیان کننده راه هدایت

النَّجَاةِ ، مِنْ طُرُقِ الرَّدَى ، وَجَرَحُوا كَبِدَ خَيْرِ الْوَرَى ، فِي

از راههای هلاکت، و جریحه دار کردند جگر بهترین خلق را، در

ظُلْمِ ابْنَتِهِ ، وَاضْطِهَادِ حَبِيبَتِهِ ، وَاهْتِضَامِ عَزِيزَتِهِ ، بِضَعَةِ

ستم به دخترش، و لگد کوب کردن محبوبش، و غصب کردن حق عزیزش، پاره تنش،

لَحْمِهِ ، وَفِلَذَةِ كَبِدِهِ ، وَخَذَلُوا بَعْلَهَا ، وَصَغَّرُوا قَدْرَهُ ،

و جگر گوشه اش، و شوهرش را وا گذاشتند، و مقامش را کوچک شمردند،

وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُ ، وَقَطَعُوا رَحِمَهُ ، وَأَنْكَرُوا أُخُوَّتَهُ ،

و حرامهایش را حلال کردند، و رحمش را قطع نمودند، و برادری اش را انکار کردند

وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ ، وَنَقَضُوا طَاعَتَهُ ، وَجَحَدُوا وَلَايَتَهُ ،

و دوستی اش را ترک گفتند، و اطاعتش را شکستند، و ولایتش را منکر شدند،

وَاطْمَعُوا (أَطْعَمُوا) الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ ، وَقَادَوْهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ

و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند، و او را به طرف بیعتشان کشاندند،

مُصْلِتَةً سَيُوفَهَا ، مُقْدَعَةً (مُشْرِعَةً) أَسْنَتَهَا ، وَهُوَ سَاخِطٌ

با شمشیرهای برکشیده بیعت گران ناحق، و سرنیزه های برهنه عمال حکومت، در حالی

الْقَلْبِ ، هَائِجُ الْغَضَبِ ، شَدِيدُ الصَّبْرِ ، كَاطِمُ الْغَيْظِ ،

که او خشمگین دل، خروشیده غضب، سخت شکیب، و فروبرنده خشم خود بود،

يَدْعُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمْ ، الَّتِي عَمَّ شَوْمُهَا الْإِسْلَامَ ، وَزَرَعَتْ فِي

او را دعوت می کردند به بیعتشان، که شومی آن اسلام را فرا گرفت،

قُلُوبِ أَهْلِهَا الْآثَامَ ، وَعَقَّتْ (وَعَنَفَتْ) سَلْمَانَهَا ، وَطَرَدَتْ

و در دل اهل آن تخم گناهان را کاشت، و با سلماناش نامهربانی کرد، و مقدادش

مِقْدَادَهَا ، وَنَفَتْ جُنْدُهَا ، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمَّارِهَا ، وَحَرَفَتْ

را طرد گفت و اوذرش را به عرصه تبعید برد، و سینه عمارش را شکافت، و مفاهیم قرآن را

الْقُرْآنَ ، وَبَدَّلَتْ الْأَحْكَامَ ، وَغَيَّرَتْ الْمَقَامَ ، وَأَبَاخَتْ الْخُمْسَ

را تحریف کرد، و احکام الهی را به احکامی دیگر تبدیل نمود، و مقام را دگرگون ساخت، و خمس را برای آزادشدگان

لِلطُّلُقَاءِ ، وَ سَلَّطَتْ أَوْلَادَ اللَّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ وَالْدِّمَاءِ ،

فتح مکه مباح کرد، و اولاد لعنت شدگان را بر نوامیس و خون مردم مسلط نمود،

وَخَلَطَتْ الْحَلَالَ بِالْحَرَامِ ، وَاسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَ الْإِسْلَامِ ،

و حلال را با حرام مخلوط کرد، و ایمان و اسلام را سبک شمرد،

وَهَدَمَتْ الْكَعْبَةَ ، وَأَغَارَتْ عَلَى دَارِ الْهِجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ ، وَأَبْرَزَتْ

و کعبه را ویران کرد، و غارتگرانه بر خانه هجرت و روز حادثه حره حمله برد،

بَنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ ، لِلنَّكَالِ وَ السَّوْعَةِ (وَالسَّوْعَةِ) ،

و دختران مهاجران و انصار را، و انکار و سبکجه (و السَّوْعَةِ) ، سخت،

وَأَلْبَسَتْهُنَّ ثَوْبَ الْعَارِ وَ الْفَضِيحَةِ ، وَ رَخَّصَتْ لِأَهْلِ

و بی داد سنگین از پرده بیرون کشید، و جامه ننگ و رسوایی بر آنان پوشاند، و به اهل

الشُّبْهَةِ ، فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ ، وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ ،

شبهه اجازه و آزادی داد، برای کشتن اهل بیت برگزیده پیامبر، و نابود کردن نسلش،

وَ اسْتِيصَالَ شَاقَّتِهِ ، وَسَبَى حَرَمِهِ ، وَقَتَلَ أَنْصَارَهُ ، وَكَسَرَ

و ریشه کن کردن بیخ و بنش، و اسیر کردن حرمش، و به قتل رساندن یاورانش، و شکستن

مَنْبَرِهِ ، وَقَلَبِ مَفْخَرِهِ ، وَإِخْفَاءِ دِينِهِ ، وَقَطْعِ ذِكْرِهِ ؛

منبرش، و وارونه نمودن مایه فخرش، و پنهان کردن دینش، و از میان بردن نامش!!

يَا مَوَالِيَّ ، فَلَوْ عَايَنَكُمُ الْمُصْطَفَى ، وَسِيَّاهُ الْأُمَّةِ مُغْرَقَةً فِي

ای سروران من، چه حالی داشت محمد مصطفی اگر شما را می دید در حالی که تیره های ملت،

أَكْبَادِكُمْ ، وَرِمَاحُهُمْ مُشْرَعَةً فِي نُحُورِكُمْ ، وَسُيُوفُهَا مَوْلَعَةً

در جگرهای شما فرو رفته، و نیزه هایشان در گلوهای شما قرار گرفته، و شمشیرهای خون آشامشان

(مَوْلَعُهُ) فِي دِمَائِكُمْ، يَشْفِي أَبْنَاءَ الْعَوَاهِرِ غَلِيلَ الْفِسْقِ مِنْ

در خون شما نشسته بود، نژادگان تشنگی شدید خود را به تبهکاری از

وَرَعِكُمْ، وَ غَيْظَ الْكُفْرِ مِنْ إِيْمَانِكُمْ، وَأَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيحٍ فِي

پروای شما، و خشم بسیار سخت کفر خود را از ایمان شما فرو می‌نشانند، و شما بودید بین: به خاک افتاده در

الْمِحْرَابِ، قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ، وَ شَهِيدٌ فَوْقَ الْجَنَازَةِ،

محرابی، که شمشیر تارک سرش را شکافته بود، و شهید بالای تابوت

قَدْ شُكَّتْ أَكْفَانُهُ بِالسَّهَامِ (شُبَّكَتْ بِالسَّهَامِ أَكْفَانُهُ)، وَ قَتِيلٌ

که گفنش با تیرهایی سوراخ سوراخ شده بود، و کشته در بیابان افتاده

بِالْعَرَاءِ قَدْ رُفِعَ فَوْقَ الْقَنَاةِ رَأْسُهُ، وَ مُكَبَّلٌ فِي السِّجْنِ قَدْ

که سرش بالای نیزه‌ها رفته بود، و به کند و زنجیر کشیده شده در زندان،

رُضِّتْ بِالْحَدِيدِ أَعْضَاؤُهُ، وَ مَسْمُومٌ قَدْ قُطِعَتْ (قُطِعَتْ)

که با آهن اعضایش کوفته شده بود، و مسمومی که با جرعه‌های سم مهلک،

بِجُرْعِ السَّمِّ أَمْعَاؤُهُ، وَ شَمْلُكُمْ عِبَادِيدُ تُفْنِيهِمُ الْعَبِيدُ وَ أَبْنَاءُ

روده‌هایش، پاره پاره گشته، و جمع شما در این سو و آن سو پراکنده شده، بردگان و برده‌زادگان

الْعَبِيدِ، فَهَلِ الْمَحْنُ يَا سَادِقُ إِلَّا الَّتِي لَزِمَتْكُمْ، وَ الْمَصَائِبُ

آنها را نابود می‌کردند، پس ای سروران من آیا محنتها غیر آن است که ملازم شما شد، و مصایب

إِلَّا الَّتِي عَمَّتْكُمْ، وَ الْفَجَائِعُ إِلَّا الَّتِي خَصَّتْكُمْ، وَ الْقَوَارِعُ

جز آن است که شما را فرا گرفت، و فاجعه‌ها جز آن است که اختصاص به شما یافت، و حوادث کوبنده

إِلَّا الَّتِي طَرَقَتْكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ

جز آن است که شما را کوبید؟! درود خدا بر شما و بر ارواح

وَ أَجْسَادِكُمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. پس از این، قبر منور را

و پیکرهایتان، و رحمت و برکات خدا بر شما.

بِوَسْ، وَ بَگو: يَا أَبَتِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي يَا آلَ الْمُصْطَفَى، إِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ

پدر و مادرم فدای شما ای خاندان مصطفی، در دست ما چیزی نیست، جز اینکه

نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ، وَ نُعَزِّيَ فِيهَا أَرْوَاحَكُمْ، عَلَى هَذِهِ

پیرامون زیارتگاههای شما طواف کنیم، و به ارواح شما در آن زیارتگاهها تسلیت گوئیم، بر این

المصائبِ العَظِيمَةِ، الْحَالَةِ بِفَنَائِكُمْ، وَالرَّزَايَا الْجَلِيلَةَ النَّازِلَةَ

مصیبت‌های بزرگی که به آستان شما در رسید، و بیش آمده‌ای گرانی که

بِسَاحَتِكُمْ، الَّتِي أَثْبَتَتْ فِي قُلُوبِ شِيعَتِكُمُ الْقُرُوحَ،

به ساحت شما فرود آمد، که در قلوب شیعیانتان زخمها ثبت کرد،

وَأَوْرَثَتْ أَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحَ، وَزَرَعَتْ فِي صُدُورِهِمُ الْغُصَصَ،

و در جگرهایشان جراحتها به ارث گذاشت، و در سینه‌هایشان غصه‌ها کاشت،

فَنَحْنُ نُشْهَدُ اللَّهَ، أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَأَنْصَارَكُمْ

پس ما خدا را گواه می‌گیریم بر اینکه در حقیقت شرکت نمودیم با دوستان و یاران گذشته شما،

الْمُتَقَدِّمِينَ، فِي إِرَاقَةِ دِمَائِ النَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ،

در ریختن خون پیمان‌شکنان، و متجاوزان، و بیرون‌رفتگان از دین،

وَقَتْلَةَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

و کشدگان ابی عبدالله، سرور جوانان اهل بهشت (دردود براو)

يَوْمَ كَرَبَلَاءَ بِالنِّيَّاتِ وَالْقُلُوبِ، وَالتَّأْسُفِ عَلَى فَوْتِ تِلْكَ

در روز کربلا، به وسیله نیتها و دلهایمان، و تأسف بر از دست رفتن

الْمَوَاقِفِ، الَّتِي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ مِنَّا السَّلَامُ،

موقعیتهایی که آنان برای یاری شما حاضر شدند، سلام و رحمت

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. سِپَسِ قَبْرِ شَرِيفٍ رَا بَيْنَ خُودٍ وَ قَبْلَهُ قَرَار

و برکات خدا از سوی ما بر شما باد.

بَدَه وَ بَگُو: اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ، مُكُونًا

خدا یا ای صاحب قدرتی که جهان از آن قدرت هستی یافت، و بر آن قدرت

مَبْرُوءًا عَلَيْهَا، مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ الْعِظَمَةِ، فَنَطَقْتَ شَوَاهِدُ

بدون عیب پدید آورده شد، و در زیر سایه عظمت آفریده گشت، شواهد آفرینشت

صُنْعِكَ فِيهِ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُكُونُهُ وَبَارئُهُ

در آن گویا شد، بر اینکه تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پدیدآورنده‌اش و آفریننده‌اش

وَفَاطِرُهُ، ابْتَدَعْتَهُ لَا مِنْ شَيْءٍ، وَلَا عَلَى شَيْءٍ، وَلَا فِي

و خلق کننده‌اش، جهان را پدید آوردی، نه از چیزی، و نه بر روی چیزی، و نه در

شَیْءٍ ، وَلَا لَوْحَشَةٍ دَخَلَتْ عَلَیْكَ ، إِذْ لَا غَیْرُكَ ، وَلَا حَاجَةٌ

چیزی، و نه به خاطر ترسی که بر تو وارد شده باشد، آنگاه که غیر تو نبود، و نه به خاطر نیازی

بَدَتْ لَكَ فِی تَكْوِیْنِهِ ، وَلَا لِاسْتِعَانَةٍ مِنْكَ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَهُ ، بَلْ

که در آفرینشش برای تو پیدا شده باشد، و نه برای اینکه پس از آفرینش جهان، به آن استعانت جویی، بلکه

أَنْشَأَتْهُ لِیَكُونَ دَلِیْلًا عَلَیْكَ ، بِأَنَّكَ بَیْنَهُ مِنَ الصَّنْعِ ، فَلَا یُطِیْقُ

آن را به وجود آوردی تا راهنمایی بر تو باشد، به اینکه تو از ساختمان آفرینش جدایی، پس

الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ انْكَارُكَ ، وَالْمَوْسُومُ بِصِحَّةِ الْمَعْرِفَةِ جُحُودَكَ ،

انصاف‌دهنده به عقلش، طاقت انکار تو را نمی‌آورد، و موسوم به سلامت معرفت تاب باور نکردن تو را ندارد،

أَسَأَلُكَ بِشَرَفِ الْإِخْلَاصِ فِی تَوْحِيدِكَ ، وَحُرْمَةِ التَّعَلُّقِ

از تو می‌خواهم، به شرف اخلاص در یکتاپرستی‌ات، و حرمت علاقمندی

بِكِتَابِكَ ، وَأَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّكَ ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى آدَمَ بَدِیعِ فِطْرَتِكَ ،

به کتابت، و اهل بیت پیامبرت، اینکه درود فرستی بر آدم، پدیده آفرینشت،

وَبِكِرِ حُجَّتِكَ ، وَلِسَانِ قُدْرَتِكَ ، وَالْخَلِیْفَةِ فِی بَسِیْطَتِكَ ،

و اول حجّت، و زبان قدرتت، و جانشین در زمین پهناورت،

وَعَلَى مُحَمَّدٍ الْخَالِصِ مِنْ صَفَوَتِكَ ، وَالْفَاحِصِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ ،

و بر محمد زبده برگزیدگانت، و کاوشگر معرفت،

وَالْغَائِصِ الْمُتَمَوِّنِ عَلَى مَكْنُونِ سَرِیرَتِكَ ، بِمَا أَوْلَیْتَهُ مِنْ

و آن شناور امین بر راز پنهانت، به آنچه سزاوارش نمودی از

نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ ، وَعَلَى مَنْ بَیْنَهُمَا مِنَ النَّبِیِّینَ وَالْمُكْرَمِیْنَ ،

نعمتت به یاری خویش، و بر آنانی که بین آدم و محمد بودند، از پیامبران،

وَالْأَوْصِیَاءِ وَالصِّدِّیقِیْنَ ، وَأَنْ تَهَبِنِی لِإِمَامِیْ هَذَا . پس

و اکرام‌شدگان، و جانشینان، و راستی‌پیشه‌گان، و اینکه مرا به این پیشوایم ببخشی.

پهلوی روی خود را بر ضریح مبارک بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ

خدایا

بِمَحَلِّ هَذَا السَّیِّدِ مِنْ طَاعَتِكَ ، وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ ، لَا تُتِنِیْ

به جایگاه این آقا، بر طاعتت، و به مقامش در پیشگاهت، مرا

فَجَاءَهُ، وَلَا تَحْرِمْنِي تَوْبَةً، وَارْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ دِينًا

ناگهان نمیران، و از توبه محروم مساز، و پرهیز از حرامهای را چه دینی

وَدُنْيَا، وَاشْغَلْنِي بِالْآخِرَةِ عَنْ طَلَبِ الْاَوَّلَى، وَوَفَّقْنِي لِمَا تُحِبُّ

و چه دنیایی نصیبم فرما، و از طلب دنیا، به آخرت مشغول نما، و به آنچه دوست داری

وَتَرْضَى، وَجَنِّبْنِي اتِّبَاعَ الْهَوَى، وَالْإِغْتِرَارَ بِالْأَبَاطِيلِ وَالْمُنَى.

و خشنودی موقفم بدار، و از پیروی هوا، و فریب خوردن به امور باطل و آرزو برکنارم دار.

اللَّهُمَّ اجْعَلِ السَّدَادَ فِي قَوْلِي، وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي، وَالصِّدْقَ

خدایا قرار ده در گفتارم استواری، و در کردارم درستی، و در پیمان

وَالْوَفَاءَ فِي ضَمَانِي وَوَعْدِي، وَالحِفْظَ وَالْإِيْنَاسَ مَقْرُونَيْنِ

و وعدهام راستی و وفا و حفظ و انس گیری را مقرون

بِعَهْدِي وَوَعْدِي، وَالْبِرَّ وَالْإِحْسَانَ مِنْ شَأْنِي وَخُلُقِي،

به پیمان و وعدهام، و نیکی و احسان را در شمار رفتار و اخلاقم،

وَاجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً، وَالْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً مُلْتَفَّةً،

و قرار ده سلامتی را برایم فراگیر، و عافیت را بر من احاطه کننده و پیچیده،

و لَطِيفَ صُنْعِكَ وَغَوْنِكَ مَصْرُوفًا إِلَيَّ، وَحُسْنَ تَوْفِيقِكَ

و رفتار لطیف، و یاریات و متوجه من، و حسن توفیقت

و يُسْرِكَ مَوْفُورًا عَلَيَّ، وَأَحِينِي يَا رَبَّ سَعِيدًا، وَتَوَفَّنِي

و آسانیات را بر من کامل شده، و زندهام بدار پروردگارا خوشبخت، و بمیرانم

شَهِيدًا، وَطَهِّرْنِي لِلْمَوْتِ وَمَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلِ الصِّحَّةَ

شهید، و برای مرگ و پس از آن پاکم فرما. خدایا قرار بده سلامت

وَالنُّورَ فِي سَمْعِي وَبَصَرِي، وَالْجِدَّةَ وَالْخَيْرَ فِي طَرُقِي، وَالْهُدَى

و نور را در گوشم و دیدهام، و منفعت و خیر را در راههایم، و هدایت

وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَذْهَبِي، وَالْمِيزَانَ أَبَدًا نَصَبَ عَيْنِي،

و بصیرت را در دین و آیینم، و میزان حق را همیشه در برابر چشمم،

وَالذِّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ شِعَارِي وَدِّثَارِي، وَالْفِكْرَةَ وَالْعِبْرَةَ أُنْسِي

و ذکر و پند را شعارم و جامه باطنم، و فکر و عبرت گرفتن را انیس

وَعِمَادِي ، وَمَكِّنَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي ، وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ الْأَشْيَاءِ فِي

و تکیه گاهم، و جای گیر فرما یقین را در دلم، و آن را قرار ده استوارترین چیزها

نَفْسِي ، وَاعْلِبْهُ عَلَى رَأْيِي وَعَزْمِي ، وَاجْعَلِ الْإِرْشَادَ فِي عَمَلِي ،

در نهادم، و چیره کن آن را بر رأی و تصمیم، و قرار ده ارشاد را در کردارم،

وَالْتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ مِهَادِي وَسَنْدِي ، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ وَقَدْرِكَ

و تسلیم شدن به امرت را بستر و پشتوانه‌ام، و راضی بودن به قضا و قدرت را،

أَقْصَى عَزْمِي وَنَهَائِي ، وَأَبْعَدَ هَمِّي وَغَايَتِي ، حَتَّى لَا أَتَقَى أَحَدًا

آخرین کرانه تصمیم و نهایتی، و دورترین اندیشه و هدفم، تا از احدی

مِنْ خَلْقِكَ بَدِينِي ، وَلَا أَطْلُبَ بِهِ غَيْرَ آخِرَتِي ، وَلَا أَسْتَدْعِي

از بندگانت در امر دینم ملاحظه نکنم، و به آن جز آخرتم را نجویم، و از آن ثناگوئی

مِنْهُ إِطْرَائِي وَمَدْحِي ، وَاجْعَلْ خَيْرَ الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي ، وَخَيْرَ

و تعریف را نجویم، و قرار ده بهترین عاقبتها را عاقبت من، و بهترین

الْمَصَائِرِ مَصِيرِي ، وَأَنْعَمَ الْعَيْشِ عَيْشِي ، وَأَفْضَلَ الْهُدَى

بازگشتگاه را، بازگشتگاه من، و با ناز و نعمت‌ترین زندگیها را، زندگی من، و برترین هدایتها

هُدَايَ ، وَأَوْفَرَ الْحُظُوظِ حَظِّي ، وَأَجْزَلَ الْأَقْسَامِ قِسْمِي

را هدایت من، و کامل‌ترین بهره‌ها را بهره من، و شایان‌ترین نصیبها را

وَنَصِيبِي ، وَكُنْ لِي يَا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا ، وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ

نصیب من، و باش ای پروردگارم، برای من از هر پیش آمد بدی نگهدار، و به جانب هر خیری

دَلِيلًا وَقَائِدًا ، وَمِنْ كُلِّ بَاغٍ وَحَسُودٍ ظَهِيرًا وَمَانِعًا . اَللّٰهُمَّ بَكَ

راهنما و راهبر، و از هر متجاوز حسودی پشتیبان و جلوگیری. خدایا به توست

اعْتَدَادِي وَعِصْمَتِي ، وَثِقَتِي وَتَوْفِيقِي ، وَحَوْلِي وَقُوَّتِي ،

سازوبرگ و زمامم و اطمینان و توفیق و جنبش و نیرویم،

وَلَكَ مَحْيَايَ وَمَمَاتِي ، وَفِي قَبْضَتِكَ سُكُونِي وَحَرَكَتِي ،

و برای توست حیات و مرگم، و در کف توست آرامش و حرکت،

وَإِنَّ بَعْرَوَتِكَ الْوُثْقَى اسْتِمْسَاكِي وَوُصْلَتِي ، وَعَلَيْكَ فِي

و به دستاويز محکم‌تر توست چنگ زدن و پیوند، و بر توست در

دُعای عالی مرتبت مضامین

الْأُمُور كُلِّهَا اعْتِمَادِي وَتَوَكَّلِي ، وَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَ مَسِّ

همه کارها اعتماد و توکل، و از عذاب دوزخ، و تماس

سَقَرِ نَجَاتِي وَخَلَاصِي ، وَفِي دَارِ أَمْنِكَ وَكَرَامَتِكَ مَثْوَايَ

آتش نجات و رهایی، و در خانه امن و کرامت توست منزل

وَمُنْقَلَبِي ، وَعَلَى أَيْدِي سَادَتِي وَمَوَالِيَّ ، آلِ الْمُصْطَفَى فَوْزِي

و مأوایم، و به دست آقایان و سرورانم، خاندان مصطفی است رستگاری

وَفَرَجِي . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

و گشایشم. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بیامرزد مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

و زنان مؤمن و مسلمان را، و بیامرزد مرا و پدر و مادرم

وَمَا وَلَدَا ، وَأَهْلِي بَيْتِي وَجِيرَانِي ، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَدَنِي يَدًا مِنْ

و آنچه زاده اند، و خاندانم، و همسایگانم، و هر زن و مرد بالیامانی را که

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ؛ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ .

حقّی بر گردن من دارد، همانا تو دارای فضل بزرگی.

چهارم: دعایی است با مضامین بسیار بلند که پس از زیارت

هر یک از امامان علیهم السلام خوانده می شود، و این دعا را سید ابن

طاووس در کتاب «مصابح الزائر» بعد از این زیارت جامعه

نقل فرموده است، و آن دعای شریف این است: اللَّهُمَّ إِنِّي

خدایا این

زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ ، مُقِرًّا بِإِمَامَتِهِ ، مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ طَاعَتِهِ ،

امام را زیارت کردم، به امامتش اقرار دارم، واجب بودن اطاعتش را معتقدم،

فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي ، وَمَوْبِقَاتِ آثَامِي ، وَكَثْرَةِ

پس زیارتگاهش را قصد کردم، با گناهان، و عیبها، و جرمهای هلاکت بار، و بسیاری

سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ ، وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي ، مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ ،

بدیها و خطاهایم، و آنچه را تو از من خبر داری، پناهنده ام به گذشت،

دُعای عالی مرتبت المضامین

مُسْتَعِیْذًا بِجَلَمِكَ ، رَاجِئًا رَحْمَتَكَ ، لَا جِئًا إِلَى رُكْنِكَ ، عَائِدًا

و بردباری ات، امیدوارم به رحمتت، پناه برده‌ام به پایه عنایتت، پناه آورنده‌ام

بِرَأْفَتِكَ ، مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ ، وَصَفِيَّتِكَ وَابْنِ

به مهرت، خواهان شفاعتتم، از ولی ات و فرزند اولیایت و برگزیده ات، فرزند

أَصْفِيَائِكَ ، وَآمِينَكَ وَابْنِ أَمْنَائِكَ ، وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ

برگزیدگانت، و امینت و فرزند امنایت و خلیفه ات، و فرزند

خُلَفَائِكَ ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ ،

خلیفه هایت، [هرگاه این دعا پس از زیارت امیر مؤمنان (ع) باشد. به جای کلمه «ابن» در هر چهار موضع «ابی» بگوید]

وَالذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ . اَللّٰهُمَّ وَאוَّلُ حَاجَتِيْ اِلَيْكَ ،

آن‌ان که قرارشان دادی، وسیله ای به سوی رحمت و خشنودیت. و سببی به جانب مهر و آمرزشت، خدایا اول حاجتم به

أَنْ تَغْفِرَ لِيْ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوْبِيْ عَلَى كَثَرَتِهَا ، وَأَنْ تَعْصِمَنِيْ فِيمَا

پیشگاه تو این است، که گناهان گذشته مرا، در عین زیادبودنش ببامریزی، و در آنچه از

بَقِيٍّ مِنْ عُمْرِيْ ، وَتُطَهِّرَ دِيْنِيْ مِمَّا يُدْنِسُهُ ، وَيُزِيْرِيْ

عمرم باقی مانده، مرا حفظ کنی، و پاک نمایی دینم را از آنچه الوده اش کند، و بد نمایش سازد، و معیوش گرداند،

بِهِ وَتَحْمِيْهِ ، مِنْ الرِّيبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرِكِ ، وَتُثَبِّتَنِيْ

و نگاهش داری، از شک و دودلی و تباهی و شرک، و پایدارم بداری

عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُوْلِكَ ، وَذُرِّيَّتِهِ النُّجَبَاءِ السَّعْدَاءِ ،

بر طاعتت و طاعت رسولت، و فرزندان نجیب و خوشبختش،

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ ، وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامُكَ وَبَرَكَاتُكَ ، وَتُحْيِيْنِيْ

درود و رحمت و سلام و برکاتت فراوان بر ایشان، و زنده ام بداری،

مَا أَحْيَيْتَنِيْ عَلَى طَاعَتِهِمْ ، وَتُمِيتَنِيْ إِذَا أَمَتَّنِيْ عَلَى طَاعَتِهِمْ ،

تا زنده ام می داری بر فرمانبرداری از ایشان، و بمیرانی ام، هرگاه بمیرانی بر طاعت از آنان،

وَأَنْ لَا تَحُوَ مِنْ قَلْبِيْ مَوَدَّتِهِمْ وَمَحَبَّتِهِمْ ، وَبُغْضِ أَعْدَائِهِمْ ،

و از دلم پاک نکنی مودت و دوستی آن بزرگواران، و کینه دشمنانشان را، و رفاقت دوستانشان،

وَمُرَافَقَةِ أَوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهِمْ ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّيْ ،

و نیکی به آنان را نصیب من فرما، و از تو می خواهم، ای پروردگارم، که این زیارت را از من بپذیری،

دُعای عالیک المصّائین

وَتُحِبُّ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ ، وَالْمُؤَاطَبَةَ عَلَيْهَا ، وَتُنَشِّطُنِي لَهَا ،
و عبادت، و مواظبت بر آن را محبوب من گردانی، و برای بندگی به نشاطم آوری،

وَتُبَغِّضُ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ ، وَتَدْفَعُنِي عَنْهَا ، وَتُجَنِّبُنِي
و گناهان و محرّمات را منفور من کنی، و از آنها باز مداری، و از کوتاهی

التَّقْصِيرِ فِي صَلَوَاتِي ، وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا ، وَالتَّرَاجِي عَنْهَا ،
کردن در نمازهایم، و سبک شمردن و کاهلی از آنها بر کنارم داری،

وَتُوفِّقُنِي لِتَأْدِيتِهَا ، كَمَا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ ،
و موفقم بداری بر ادای آنها، همانطور که واجب کردی، و به آن بر پایه روش رسولت فرمان دادی،

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ ، خُضُوعًا
درودها و رحمت و برکات تو بر او باد، نمازی با کمال خضوع

وَحُشُوعًا ، وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَإِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ ،
و خشوع، و باز کنی سینه‌ام را، برای پرداخت زکات، و دادن صدقات،

وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ ، وَالْإِحْسَانِ إِلَى شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمْ
و بذل خوبی و احسان به شیعه خاندان محمد (درود

السَّلَامُ ، وَمُؤَاسَاتِهِمْ ، وَلَا تَتَوَفَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ
بر ایشان) و مواسات و همدردی با آنان، و مرا از دنیا نبری مگر بعد از آنکه

بَيْتِكَ الْحَرَامِ ، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ ، وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمْ
حجّ خانه‌ات، و زیارت قبر پیامبرت، و قبور امامان (درود بر ایشان)

السَّلَامُ ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةً نَصُوحًا تَرْضَاهَا ، وَنِيَّةً تَحْمَدُهَا ،
را نصیبم کنی، و از تو می‌خواهم ای پروردگارم توبه‌ای خالص، که آن را بپسندی، و نیتی که آن را ستایش کنی،

وَعَمَلًا صَالِحًا تَقْبَلُهُ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي ،
و عمل شایسته‌ای که بپذیری، و اینکه مرا بیامری، و به من رحم کنی، هنگامی که مرا بمیرانی،

وَيُهَوِّنَ عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ ، وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ،
و سكرات مرگ را بر من آسان نمایی، و محشورم کنی، در گروه محمد و خاندان او

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ ،
(درود خدا بر او و خاندانش)، و به رحمت مرا وارد بهشت فرمایی،

دُعای عالیّه المضامین

وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيرًا فِي طَاعَتِكَ ، وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقَرِّبُنِي

و اشکم را در طاعتت فراوان کنی، و سرشکم را در آنچه مرا به تو نزدیک گرداند

مِنْكَ ، وَقَلْبِي عَطُوفًا عَلَى أَوْلِيَائِكَ ، وَتَصَوَّنَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

جاری سازی، و دلم را نسبت به دوستانت مهربان نمایی، و در این دنیا مصونم بداری،

مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ ، وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ ، وَالْأَسْقَامِ

از آسیبها، و آفات، و بیماریهای سخت، و دردهای

الْمُزْمِنَةِ ، وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ ، وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ

کهنه، و همه انواع بلاها و حوادث، و دلم را از توجه به

الْحَرَامِ ، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ ، وَتُحِبَّ إِلَيَّ الْحَلَالَ ، وَتَفْتَحَ لِي

حرام بگردانی، و نافرمانیهایت را مورد خشم من قرار دهی، و حلال را نزد من محبوب گردانی، و درهای

أَبْوَابِهِ ، وَتُثَبِّتَ نِيَّتِي وَفَعَلِي عَلَيْهِ ، وَتُمَدِّدَ فِي عُمُرِي ، وَتُعْلِقَ

آن را به رویم بگشایی، و نیت و کارم را بر آن استوار سازی، و عمرم را طولانی کنی، و به رویم

أَبْوَابَ الْمَحْنِ عَنِّي ، وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ ، وَلَا تَسْتَرِدَّ

درهای محنتها را ببندی، و نعمتهایی را که به من عنایت کردی، از دستم نگیری،

شَيْئًا مَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ ، وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي النِّعَمَ ، الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا

و چیزی از احسانهایت را از من پس نگیری، و نعمتهایی که به من دادی، از من جدا نسازی،

عَلَيَّ ، وَتَزِيدَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي ، وَتُضَاعِفْهُ أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً ،

و بر آنچه مرا مالک آن نمودی بیفزایی، و چندین برابر و چندین مضاعف،

وَتَرْزُقْنِي مَالًا كَثِيرًا وَاسِعًا سَائِعًا ، هَنِيئًا نَامِيًا وَافِيًا ، وَعِزًّا

و نصیبم کنی مال بسیار، روان، گوارا، روینده، رسا، و عزتی

بَاقِيًا كَافِيًا ، وَجَاهًا عَرِيضًا مَنِيْعًا ، وَنِعْمَةً سَابِغَةً عَامَّةً ،

پایدار کافی، و آبرویی پهنآور بلند و نعمتی کامل و فراگیر،

وَتُغْنِيَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُتَكَدَّةِ ، وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ ،

و به این امور بی نیازم کن از جستنیهای پر مشقت، و موارد دشوار،

وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافًى فِي دِينِي وَنَفْسِي وَ وَلَدِي ،

و از آنها رهاییم ده، با سلامتی کامل در دین و جان و فرزندانم

دُعای عالی مرتبت المصائین

وَمَا أَعْطَيْتَنِي وَ مَنَحْتَنِي ، وَتَحَفَّظَ عَلَيَّ مَالِي وَجَمِيعَ

و آنچه به من عطا کرده‌ای، و بخشیده‌ای، و نگهداری و برای من مال،

مَا خَوَّلْتَنِي ، وَتَقَبَّضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبَّارَةِ ، وَتَرَكَّنِي إِلَى وَطَنِي ،

و آنچه مرا مالک آن نمودی، و از سر من برگیری دستهای ستم گردنکشان را، و به وطنم بازم گردانی،

وَتُبَلِّغْنِي نِهَایَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي ، وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي

و به نهایت آرزویم، در دنیا و آخرتم برسانی، و قرار دهی سرانجام کارم را

مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً ، وَتَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ ، وَاسِعَ

پسندیده و نیکو و سالم، و بگردانی مرا فراخ سینه، و وسیع

الْحَالِ ، حَسَنَ الْخُلُقِ ، بَعِيدًا مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنَعِ ، وَالنِّفَاقِ

حال، نیکو اخلاق، دور از بخل و دریغ‌ورزی و دورویی

وَالْكَذِبِ ، وَابْهَتِ وَقَوْلِ الزَّوْرِ ، وَتَرْسُخْ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ

و دروغ و بهتان، و زور گویی، و در قلبم ریشه‌دار کنی محبت محمد

وَالِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ ، وَتَحْرُسْنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَآهْلِي ،

و خاندان محمد و شیعیانشان را، و محافظتم فرمایی ای پروردگارم در خودم و خاندان

وَمَالِي وَوَلَدِي ، وَآهْلِ حُرَانَتِي وَآخَوَانِي ، وَآهْلِ مَوَدَّتِي

و مال و فرزندان، و اهل غمخواری و برادران، و دوستان

وَذَرِيتِي ؛ بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ . اَللّٰهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ ،

و نژادم، به مهربانی ذاتت. خدایا اینها حاجات من نزد تو،

وَقَدْ اسْتَكْرَثْتُهَا لِلْأُمِّي وَشَحِي ، وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ ،

و اینکه زیادشان کردم به خاطر خوی فقر و حرص من است، ولی همه آنها نزد تو کوچک و اندک

وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ ، فَاسْأَلْكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

و رواکردنش بر تو سهل و آسان است، پس از تو می‌خواهم به منزلت محمد و خاندان محمد

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ ، وَمَا أَوْجَبَتْ لَهُمْ ،

(درود بر او و ایشان) نزد تو، و به حقشان بر تو، و به آنچه بر آنان واجب کرده‌ای،

وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ ، وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ ، الْمُخْلِصِينَ

و به حق دیگر پیامبران، و رسولان، و برگزیدگان، و دوستان با اخلاص

دُعای عالی مرتبتہ المضامین

مِنْ عِبَادِكَ، وَبِسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، لَمَّا قَضَيْتَهَا كُلَّهَا،

از بندگانت، و به حق بزرگترین اسم اعظمت که تمام این حاجتها را برآورد،

وَ أَسْعَفْتَنِي بِهَا، وَ لَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَ رَجَائِي. اللَّهُمَّ وَ شَفِّعْ

و به آنها کامروایم فرمایی، و از آرزو و امیدم ناامیدم نکنی. خدایا و شفاعت

صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ. يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ،

صاحب این قبر را در حق من ببذیر، ای سرور من، ای ولی خدا، ای امین خدا، از تو می خواهم،

أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا،

که از من درگاه خدای عز و جل، در تمام این حاجتها، شفاعت کنی، به حق

بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَ بِحَقِّ أَوْلَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ، فَإِنَّ لَكَ

پدران پاک، و به حق فرزندان برگزیده ات، به درستی که برای تو

عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، الْمَنْزِلَةُ الشَّرِيفَةُ، وَالْمُرْتَبَةُ الْجَلِيلَةُ،

نزد خدا، که منزّه باد نامهایش، منزلتی شریف، و مرتبه ای عظیم،

وَالْحَاجَةُ الْعَرِيزُ. اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجُهُ عِنْدَكَ مِنْ

و مقامی پهناور است. خدایا، اگر من کسی را می شناختم که نزد تو آبرومندتر از

هَذَا الْإِمَامِ، وَ مِنْ آبَائِهِ وَ أَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

این امام، و از پدران و فرزندان پاکیزه اش (درود بر ایشان) بود،

وَالصَّلَاةُ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَ طَلِبَاتِي

هر آینه آنها را شفیعیان خود قرار می دادم، و پیش روی حاجتم و خواسته هایم

هَذِهِ، فَاسْمَعْ مِنِّي وَ اسْتَجِبْ لِي، وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ؛ يَا

قرار می دادم، پس دعایم را بشنو، و برایم به اجابت برسان، و آنچه تو شایسته آنی، درباره من انجام ده، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ وَ مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسَالَتِي، وَ عَجَزَتْ

مهربان ترین مهربانان. خدایا و هر چه را از آن کوتاه آمد درخواست من، و نیرویم

عَنْهُ قُوَّتِي، وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي، وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي،

از آن ناتوان شد، و هوشم به آن نرسید، از صلاح دین و دنیا و آخرتم،

فَأَمْنُنْ بِهِ عَلَيَّ، وَ احْفَظْنِي وَ احْرُسْنِي، وَ هَبْ لِي وَ اغْفِرْ لِي،

پس عطا ی آنها را بر من منت گذار، و محافظم فرما، و نگهبانی ام کن، و بر من ببخش، و مرا بیامرز،

دُعای عالیک المصّائین

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسَوْءٍ أَوْ مَكْرُوهِ ، مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، أَوْ سُلْطَانٍ

و هر که مرا قصد کند، به بدی، یا کاری ناخوش آیند، از شیطان سرپیچ، و سلطان

عَنِيدٍ ، أَوْ مُخَالَفٍ فِي دِينٍ ، أَوْ مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا ، أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ

لجوج یا مخالف در دین، یا ستیزه جویی در دنیا، یا حسدورز در

نِعْمَةٍ ، أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ ، فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي

نعمتی بر من، یا ستمکار، یا متجاوز، پس دستش را از سر من بردار، و نقشه اش را از

كَيْدِهِ ، وَاشْغَلْهُ [عَنِّي] بِنَفْسِهِ ، وَاكْفِنِي شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ

من بگردان، و او را از من به خودش مشغول کن، و شر خود و پیروان

وَشَيَاطِينِهِ ، وَاجْرِنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَيُجْحِفُ بِي ، وَاعْطِنِي

و شیاطینش را از من کفایت فرما، و پناهم ده از هر چه به من زیان رساند، و اجحاف و ظلم کند،

جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ، مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و همه خیر را به من عطا کن، از آنچه می دانم، و از آنچه نمی دانم، خدایا بر محمد و خاندان

وَالِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ ، وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي ،

محمد درود فرست، و ببامرز مرا، و پدر و مادرم، و برادران و خواهرانم،

وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي ، وَأَخَوَالِي وَخَالَاتِي ، وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي ،

و عموها و عمّه هایم، و داییها و خاله هایم، و اجداد و جدّه هایم،

وَأَوْلَادِهِمْ وَذُرَارِيَهُمْ ، وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي ، وَأَقْرِبَائِي وَأَصْدِقَائِي ،

و فرزندان و نژادشان، و همسران، و نژاد، و خویشان، و رفقا

وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فِيكَ ، مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ ، وَلِجَمِيعِ

و همسایگانم، و برادران دینی ام را، از اهل شرق و غرب، و تمام

أَهْلِ مَوَدَّتِي ، مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

اهل مودّتم، از مردان و زنان مؤمن، و زنده

وَالْأَمْوَاتِ ، وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا ، أَوْ تَعَلَّمْتُ مِنْهُمْ عِلْمًا .

و مرده آنان را، و همه آنهايي که خیری را به من یاد دادند، یا از من دانشی آموختند.

اَللّهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي ، لِشَهِدِ حُجَّتَكَ

خدایا آنان را شریک کن، در شایسته دعایم، و زیارتم نسبت به زیارتگاه حجّت

وَ وَلِيَّكَ ، وَ أَشْرَكْنِي فِي صَالِحِ أَدْعِيَّتِهِمْ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

و ولیات، و مرانیز در شایسته دعای ایشان شریک کن، ای مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ ؛ وَ بَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ

مهربانان، و از جانب ایشان به ولیات سلام برسان، و سلام و رحمت

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ ؛ يَا سَيِّدِي يَا مَوْلَايَ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ ؛ (به جای این

و برکات خدا بر تو ای سرور و مولای من ای فلان پسر فلان

کلمه، نام امامی را که زیارت می کند، و نام پدر آن بزرگوار

را بگوید) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ ، وَ عَلَى رَوْحِكَ وَ بَدَنِكَ ، أَنْتَ

درود خدا بر تو، و بر روح و تنت، تویی

وَسَيَّلْتَنِي إِلَى اللَّهِ ، وَ ذَرِيعَتِي إِلَيْهِ ، وَلِيَّ حَقِّ مُوَالَاتِي وَ تَأْمِيلِي ،

وسيله من به سوی خدا، و واسطه ام به درگاهش، برای من است حق دوستی و آرزومندی،

فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ، فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ ،

پس به پیشگاه خدای عز و جل شفیع من باش، در ایستادن بر این داستانم،

وَ صَرَفِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا ، بِالنُّجْحِ بِمَا سَأَلْتُكَ كُلَّهُ ؛ بِرَحْمَتِهِ

و بازگرداندن من از این موقعیتم با کامیابی، به آنچه درخواست کرده ام، همه را به مهربانی

وَ قُدْرَتِهِ . اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً ، وَلُبّاً رَاجِحاً ، وَ عِزّاً

و توان او، خدا یا نصیبم کن عقلی کامل، و خردی ممتاز، و عزتی پایدار،

بَاقِیاً ، وَ قَلْباً زَكِیّاً ، وَ عَمَلاً كَثِيراً ، وَ أَدَباً بَارِعاً ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ

و دلی پاک، و عملی بسیار، و ادبی برتر، و همه را به سود من قرار ده

كُلَّهُ لِي ، وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

نه به زیان من، به مهربانیات ای مهربان ترین مهربانان.

پنجم: در ذکر زیارت وداع، که هر یک از امامان به آن وداع

می شوند. بدان که از جمله آداب زیارت، چنان که در محل

خود ذکر شد، وداع زیارت کننده است، نسبت به زیارت

شده، به وقت بیرون رفتن از شهر آن بزرگوار، آن هم به زیارت وداعی که از ایشان رسیده باشد، چنان که در اکثر زیارات مشاهده می‌شود، و ما در این کتاب شریف در ابواب زیارات امامان علیهم السلام برای هر یک از ایشان وداعی نقل کردیم و در وداع حضرت سید الشهدا علیه السلام اکتفا نمودیم، به همان زیارت وداعی که در آداب بیستم از آداب زائر آن حضرت ذکر شد، و به هر صورت در اینجا ذکر می‌کنیم این زیارت وداع را، که شیخ محمد بن المشهدی، آن را در باب وداع کتاب مزار کبیر نقل کرده و سید ابن طاووس رحمته الله پس از زیارت جامعه مذکوره آورده است، و ما آن را از کتاب «مصباح الزائر» نقل می‌کنیم، سید فرموده: وقتی خواستی وداع کنی و برگردی، البته در هر یک از مشاهد مشرفه که باشی، بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الرِّسَالَةِ، سَلَامٌ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و معدن رسالت، سلام

مُودِعٌ لَا سَيْمٌ وَلَا قَالٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ

وداع کننده نه به ستوه آمده و عصبانی، و رحمت و برکات خدا بر شما اهل

الْبَيْتِ؛ إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ؛ سَلَامٌ وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ،

بیت، به درستی که خدا، ستوده و بزرگوار است، سلام دوستی که نه روگردان از شما،

وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ،

و نه منحرف از شماست، و نه عوض کننده شما، و نه پیش اندازه کسی بر شما،

زیارت ولع امه

وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ ، لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ

و نه بی رغبت به قرب شما، خدا این زیارت را آخر زیارت

قُبُورِكُمْ ، وَاتِيَانِ مَشَاهِدِكُمْ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ ، وَحَشَرَنِي اللَّهُ

قبرتان، و آمدن به زیارتگاههایتان قرار ندهد، سلام بر شما، و خدا مرا در

فِي زُمْرَتِكُمْ ، وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ ، وَأَرْضَاكُم عَنِّي ، وَمَكَّنَنِي

گروه شما محشور کند، و به حوض شما وارد نماید، و شما را از من خشنود سازد، و تمکینی

فِي دَوْلَتِكُمْ ، وَأَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ ، وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ ،

در دولت شما به من بدهد، و در بازگشت شما زنده ام کند، و مرا در ایام شما فرمانروایم فرماید،

وَشَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ ، وَغَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ ، وَأَقَالَ عَثْرَتِي

و کوشش مرا برای شما قدردانی کند، و به شفاعت شما گناهانم را ببامزد، و به محبت شما

بِحُبِّكُمْ ، وَاعْلَى كَعْبِي بِمُؤَالَاتِكُمْ ، وَشَرَّفَنِي بِطَاعَتِكُمْ ،

لغزشم را نادیده بگیرد، و به دوستی شما مقامم را بلند گرداند، و به طاعت شما مفتخرم نماید،

وَاعَزَّنِي بِهْدَاكُم ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحًا مُنْجِحًا ، سَالِمًا

و به هدایت شما عزیزم کند، و قرارم دهد از کسانی که بازگردند رستگار کامیاب سالم

غَائِمًا ، مُعَافًى غَنِيًّا ، فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكَفَايَتِهِ ، بِأَفْضَلِ

بهره مند با عافیت توانگر، و رسیده به خشنودی خدا و فضل و کفایتش، به برترین

مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورَارِكُمْ ، وَمَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّكُمْ

وضعی که بازگردد به آن، یکی از زائران و دوستداران و عاشقان

وَشَيْعَتِكُمْ ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ، مَا أَبْقَانِي

و شیعیان شما، و خدا نصیبم کند بازگشت به این حرم را، سپس بازگشت و باز هم بازگشت تا باقی ام داشته

رَبِّي ، بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ ، وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى وَإِخْبَاتٍ ، وَرِزْقٍ وَاسِعٍ

پروردگارم به نیت صادقانه و ایمان و تقوا، و فروتنی و روزی گسترده

حَلَالٍ طَيِّبٍ . اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ ،

حلال پاک. خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من از ایشان، و ذکر ایشان،

وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ ، وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ ، وَالْخَيْرَ

و درود بر ایشان، و برای من واجب گردان آمرزش و رحمت و خیر

رقعه حاجت

وَالْبَرَكَةَ ، وَالنُّورَ وَالْإِيْمَانَ ، وَحُسْنَ الْجَابَةِ ، كَمَا أَوْجَبْتَ

و برکت، و نور و ایمان و حسن اجابت چنان که برای اولیای

لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ ، الْمَوْجِبِينَ طَاعَتَهُمْ ، وَالرَّاغِبِينَ فِي

واجب نمودی، آن آگاهان به حق ایشان و واجب شمارندگان طاعت آنان، و مشتاقان در

زِيَارَتِهِمْ ، الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَالْيَهُم ؛ يَا أَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي ،

زیارت ایشان، و تقرب کنندگان به تو و به سوی ایشان، پدر و مادرم و خودم

وَمَا لِي وَآهْلِي ، اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ ، وَصَيِّرُونِي فِي حَزْبِكُمْ ،

و مال و خاندانم فدای شما، مرا از جمله اندیشه‌هایتان قرار دهید، و از حزب خودتان گردانید،

وَادْخُلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ ، وَادْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ . اللَّهُمَّ صَلِّ

و در شفاعتتان واردم کنید، و نزد پروردگارتان یادم نمایید. خدایا بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَبْلِغْ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً

و خاندان محمد درود فرست، و از جانب من بر ارواح و اجسادشان برسان، تحیت

كَثِيرَةً وَسَلَامًا ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

و درود بسیار، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

ششم: در کتاب «تحفة الزائر» از حضرت صادق علیه السلام روایت

شده، هرگاه تو را حاجتی به سوی خدای تعالی باشد، یا از

امری بیمناک و ترسان باشی در کاغذی بنویس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، خدایا به سوی تو رو می‌کنم با محبوب‌ترین نامها

إِلَيْكَ ، وَأَعْظَمِهَا لَدَيْكَ ، وَاتَّقَرَّبُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ ، بِمَنْ

به پیشگاهت، و بزرگترین آنها در نزدت، و تقرب و توسل می‌جویم، به کسی

أَوْجَبَتْ حَقَّهُ عَلَيْكَ ؛ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ ، وَالْحَسَنَ

که حقش را بر خودت واجب کردی، به محمد و علی و فاطمه، و حسن

وَالْحُسَيْنَ ، وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرَ بْنِ

و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن

دُعَا وَغَيْبِ اِمَامِ نَامُ عَجَلِ اللّٰهِ فَرَجْ

مُحَمَّدٌ، وَمُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيٌّ بْنِ مُوسَىٰ، وَمُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ،

محمد و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی

وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةُ الْمُتَنَزِّلُ، صَلَوَاتُ

و علی بن محمد و حسن بن علی، و حجت منتظر که دروهای

اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اِكْفِنِي كَذَا وَكَذَا؛ بِهِ جَاى كَذَا وَ كَذَا

خدا بر همه ایشان باد، کفایت کن برایم چنین و چنان.

حاجت خود را ذکر می کنی، سپس کاغذ را تا کن و در میان تگّه‌ای از گِل بگذار، و در میان آب جاری، یا چاهی بینداز، که حق تعالی به زودی گشایشی در مشکلت کرامت می کند.

هفتم: به سند معتبر روایت شده که شیخ ابو عمرو نایب اول امام عصر صلوات الله علیه به ابو علی محمد بن همّام املا فرمود، و به او امر کرد که آن را بخواند. سیّد ابن طاووس در کتاب «جَمَالِ الْاَسْبُوعِ»، پس از ذکر دعاهاى وارد بعد از نماز عصر جمعه، و صلوات کبیره، این دعا را ذکر کرده و گفته: اگر برای تو، از تمام آنچه ذکر کردیم عذری باشد، پس پرهیز از اینکه خواندن این دعا را واگذاری، به درستی که ما داشتن این دعا را از فضل خدا «جل جلاله» می دانیم که ما را به آن ممتاز ساخته، پس به آن اعتماد کن. و دعا این است:

دُعَا وَغِیْتِ اِمَامِ عَلِيِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ نَفْسَكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِیْ نَفْسَكَ ، لَمْ اَعْرِفْ

خدايا خود را به من بشناسان، اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت

رَسُولَكَ. اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ رَسُوْلَكَ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِیْ

را شناسم، خدايا پیامبرت را به من بشناسان، اگر پیامبرت را به من

رَسُوْلَكَ ، لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِیْ حُجَّتَكَ ، فَاِنَّكَ

نشناسانی، حجتت را نشناسم، خدايا حجتت را به من بشناسان، اگر حجتت

اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِیْ حُجَّتَكَ ، ضَلَلْتُ عَنْ دِیْنِیْ. اَللّٰهُمَّ لَا تُمَتِّنِیْ

را به من نشناسانی، از دینم گمراه شوم، خدايا مرا به مرگ

مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِیْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِیْ. اَللّٰهُمَّ فَكَمَا

جاهلیت نمیران، و دلم را پس از اینکه هدایت نمودی، منحرف مکن. خدايا چنان که

هَدَيْتَنِیْ لِوِلَایَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَیْ طَاعَتِهِ ، مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةٍ

به ولایت کسی که طاعتش را بر من واجب کردی، از ولایت والیان

اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ ، صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ ، حَتّٰی وَاَلِیْتُ وُلَاةَ

امر خود پس از پیامبرت (درود تو بر او و خاندانش) تا زمامداری والیان

اَمْرِكَ ، اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ ، وَالحَسَنَ وَالحُسَیْنَ ،

امرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب و حسن و حسین

وَعَلِیًّا وَ مُحَمَّدًا ، وَجَعْفَرًا وَمُوسٰی ، وَعَلِیًّا وَ مُحَمَّدًا ، وَعَلِیًّا

و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و محمد

وَالْحَسَنَ ، وَالحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمُهْدِیَّ ، صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ.

و حسن و حجت قائم مهدی و حجت قائم مهدی (درود تو بر همه ایشان) قبول کردم،

اَللّٰهُمَّ فَثَبِّتْنِیْ عَلٰی دِیْنِكَ ، وَاسْتَعْمِلْنِیْ بِطَاعَتِكَ ، وَلَیِّنْ قَلْبِیْ

خدايا پس مرا بر دینت ثابت بدار، و تحت فرمانت بکار گیر، و دلم را برای

لِوَلِیِّ اَمْرِكَ ، وَعَافِنِیْ مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ ، وَثَبِّتْنِیْ عَلٰی

ولی امرت نرم کن، و در سلامت کاملم بدار، از آنچه بندگان را به آن آزمودی، و بر

طَاعَةِ وَلِیِّ اَمْرِكَ ، الَّذِی سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ ، وَیَاذْنِكَ غَابَ

طاعت ولی امرت استوارم کن آنکه او را از دیده بندگان پوشیده داشتی، و به اذن تو

دُعَا وَغَيْبَتِ اِمَامِ نَامُ عَجَلُ اللّٰهِ فَرَجْ

عَنْ بَرِيَّتِكَ ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلِّمِ ، بِالْوَقْتِ

از آفریدگانت پنهان شد، و فرمان تو را انتظار می کشد، و تو دانای بدون تعلیمی به آن هنگامی

الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ ،

که صلاح کار ولیّات در آن است در اجازه دادن به او برای آشکار ساختن حکومتش،

وَكَشْفِ سِتْرِهِ ، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ

و برطرف نمودن پرده غیبتش، پس مرا بر این حقیقت شکبیا گردان، تا دوست نداشته باشم پیش افتادن

مَا آخَرْتِ ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتِ ، وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتِ ،

چیزی که به تأخیر انداختی، و به تأخیر انداختن چیزی که پیش انداختی، و نه آشکار نمودن چیزی که پنهان ساختی،

وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتِ ، وَلَا أَنْزَاعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ ، وَلَا أَقُولَ

و نه کنجکاوای در آنچه کتمان کردی، و نه با تو نزاع کنم در تدبیرت، و نه بگویم:

لَمْ وَكَيْفَ ، وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ ، وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ

برای چه، و چگونه، و چه شده ولی امر ظهور نمی کند، و حال آنکه زمین

مِنَ الْجَوْرِ ، وَأُفَوِّضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

از ستم پر شده، و من واگذار می کنم همه امورم را به تو، خدایا از تو می خواهم

تُرِينِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ، ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ

ولیّ امرت را آشکار و نافذ الامر به من بنمایانی، با اینکه می دانم تنها برای توست

السُّلْطَانُ ، وَالْقُدْرَةُ وَالْبُرْهَانُ ، وَالْحُجَّةُ وَالْمُشِيَّةُ ، وَالْحَوْلُ

سلطنت و قدرت و برهان، و حجّت و مشیّت و حول

وَالْقُوَّةُ ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى

و قوّت، این خواهش را نسبت به من و همه اهل ایمان انجام ده، تا ولیّ امرت

وَلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ ،

(درود تو بر او) را ببینم، نمایان گفتار، روشن دلالت،

هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ ؛ أَبْرِزْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ ،

هدایتگر از گمراهی، شفافبخش از نادانی، آشکار فرما ای پروردگارم دیدارش را،

وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْهِ ، وَاقِنَّا

و استوار کن پایه های کارش را، و ما را از آنانی قرار ده که چشمش به دیدار حضرتش روشن شود، و ما را

دُعَا غِیْبَتِ اِمَامِ عَلِيِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ

بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ. اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ

به خدمتش بگمار، و بر آیینش بمیران، و در گروهش محشور گردان، خدایا پناهش ده

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ، وَ اَنْشَأْتَ

از شر همه آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و از طرف راست و پروردی

وَ صَوَّرْتَ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَنْ يَمِينِهِ

و صورت دادی، و او را نگاه دار از پیش رویش و از پشت سرش، و از طرف راست

وَ عَنْ شِمَالِهِ، [وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ]، بِحِفْظِكَ الَّذِي

و چپش و بالای سر و زیر پایش، به نگهداری خویش که تباہ نمی گردد

لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَ وَحْيَ

هر که را به آن نگاه داری، و حفظ کن در وجود او رسول و جانشین

رَسُوْلِكَ، عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ السَّلَامُ. اَللّٰهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ، وَ زِدْ فِي

رسولت را (بر او و خاندانش درود باد)، خدایا عمرش را طولانی کن، و بر زندگی اش

اَجَلِهِ، وَ اَعِنُّهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ، وَ زِدْ فِي كِرَامَتِكَ

ببفزای، و بر آنچه سرپرستی اش دادی، و رعایتش را از او خواستی یاری اش ده، و در کرامت بر او ببفزای،

لَهُ، فَاِنَّهُ الْهَادِي الْمُهْدِي، وَ الْقَائِمُ الْمُهْتَدِي، وَ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ،

و به درستی که او هدایتگر و هدایت شده و پاینده و رهیافته و پاک و پرهیزگار

الزَّكِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَمِدُ. اَللّٰهُمَّ

و پاکیزه و بی عیب، خشنود و پسندیده و شکبیا و سپاسگزار و کوشاست، خدایا

وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِيْنَ لِطَوْلِ الْاَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ، وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ

یقین را از ما مگیر، به خاطر طول زمان غیبتش، و قطع شدن خبرش و یادش را به فراموشی مسپار،

عَنَّا، وَ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ انْتِظَارَهُ، وَ الْاِيْمَانَ بِهِ، وَ قُوَّةَ الْيَقِيْنَ

و همچنین و کشیدن انتظارش و ایمان به حضرتش و نیرومندی یقین

فِي ظُهُورِهِ، وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقْنِطَنَا طَوْلُ

در ظهورش، و دعا به وجودش، و درود بر او را از یاد ما مبر تا جایی که

غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَ يَكُوْنَنَّ يَقِيْنُنَا فِي ذَلِكَ، كَيَقِيْنُنَا فِي

طول غیبت او از قیامت نامیدمان نکند، و یقینمان در این موضوع همانند یقینمان در

دُعَا وَغَيْبِ اِمَامِ مَعْبُودِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

قِيَامَ رَسُولِكَ ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ

قیام پیامبر (درود تو بر او و خاندانش) ، و آنچه از وحی و قرأت

وَتَنْزِيلِكَ ، فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ

آورده باشد، پس دلهای ما را بر ایمان به او نیرومند ساز، تا ببری ما را به دست او در

مِنْهَاجِ الْهُدَى ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى ، وَالطَّرِيقَةِ الْوُسْطَى ، وَقَوِّنَا

مسیر هدایت، و بزرگراه بزرگتر، و راه میانه‌تر، و ما را بر طاعت او

عَلَى طَاعَتِهِ ، وَثَبِّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ (مُشَايَعَتِهِ) ، وَاجْعَلْنَا فِي حِرْزِهِ

نیرومند کن، و بر پیروی‌اش استوار فرما، و قرارمان ده در گروه

وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي

و یاوران و یاران او، و کسانی که به کار حضرتش خشنودند، و این حقایق را در

حَيَاتِنَا ، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا ، حَتَّى تَتَوَفَّانَا ، وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ

زندگی و نه در هنگام مرگ از ما مگیر، تا ما را بمیرانی و ما بر این حقایق باشیم،

لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ ، وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ . اَللّهُمَّ عَجِّلْ

و از شک‌کنندگان و پیمان‌شکنان و تردیدداران، و تکذیبگران نباشیم. خدایا در گشایش امرش

فَرْجَهُ ، وَآيِدُهُ بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ ،

شتاب کن، و به یاری خود تأییدش کن، و یارش را یاری ده، و واگذار کننده‌اش را خوار نما،

وَدَمْدِمِ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ ، وَ أَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ ،

و هلاک کن هر که را که با او طرح دشمنی اندازد، و او را تکذیب کند، و حق را بر او آشکار کن،

وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذِّلِّ ،

و ستم را به وسیله او بمیران، و بندگان مؤمن را به وسیله او از خواری رهایی ده،

وَأَنْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ (الْجَبَابِرَةَ وَالْكَفْرَةَ) ،

و کشورها را به او زنده و سرسبز کن، و گردنکشان کفر را به دست او به قتل برسان،

وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّالَّةِ ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ ،

و سرکرده‌های گمراهی را به او درهم شکن، و جباران و کافران را به وسیله او خوار کن،

وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ ، فِي

و به قدرت او نابود کن منافقان، و پیمان‌شکنان و همه مخالفان و بی‌دینان را در

دُعَا غِیْبَتِ اِمَامِ عَلِيِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ (ع)

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا،

مشرقهای زمین و مغربهایش، در خشکیها و دریاهایش، و همواریهها و کوههایش،

حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا؛ طَهَّرَ مِنْهُمْ

تا نگذاری از آنان احدی را، و باقی نگذاری برای آنان آثاری را، کشورهايت را از این

بِلَادِكَ، وَ أَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَلَ

ناپاکان پاک کن، و با انتقام گرفتن از آنان، سینه‌های بندگانت را شفا بخش، و به وسیله او تازه کن، آنچه

مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيْرَ مِنْ

از دینت کهنه شده، و به او اصلاح کن آنچه از قانونت، به قانون دیگر تبدیل شده، و از آیینت

سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ، غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا،

دگرگون گشته، تا دین تو به وجود او، و به دست او باز گردد، با طراوت و تازه و بی عیب که نباشد در آن هیچ کجی،

لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ

و نه همراه آن هیچ بدعت، تا به دادگری اش خاموش کنی، آتش

الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

کافران را، چه او بنده توست بنده‌ای که برای خود برگزیدی،

وَارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَ عَصَمْتَهُ

و او را برای دینت پسندیدی، و با دانشت اختیارش نمودی، و از گناهان

مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى

نگاهش داشتی، و از عیوب و برآیش کردی، و بر نهانها

الْغُيُوبِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجَسِ، وَ نَقَّيْتَهُ

آگاهش فرمودی، و به او نعمت دادی، و از پلیدی پاکش ساختی، و از ناپاکی،

مِنَ الدَّنَسِ. اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ،

نظیفش فرمودی. خدایا درود فرست بر او و بر پدرانش آن امامان پاک،

وَعَلَى شِيعَتِهِ الْمُتَجَبِّينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ أَمَلِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ،

و بر شیعیان نجیبش، و آنان را به آرزوهایشان، هر آنچه آرزو می کنند برسان،

وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ،

و این خواسته ها را از ما خالص گردان، از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت طلبی،

دُعَا وَغَيْبَتِ اِمَامِنا عَجَلُ اللّٰهِ فَرَجْ

حَتَّى لَا نُزِيدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا

تا با آن غیر تو را نخواهیم، و جز خاطر تو را نجوئیم. خدایا به تو

نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْْنَا ، وَغَيْبَةَ اِمَامِنَا (وَلَيْسَا) ، وَشِدَّةَ الزَّمانِ

شکایت می کنیم، از فقدان پیامبرمان، و غیبت اماممان، و سختی زمانه علیه

عَلَيْنَا ، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا ، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا ، وَكَثْرَةَ

وجودمان، و فرود آمدن فتنه ها بر سرمان، و پشت به پشت هم دادن دشمنان به زیانمان، و بسیاری

عَدُوِّنَا ، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا . اَللّٰهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكْ عَنَّا ، بَفَتْحِ مِنْكَ

دشمنانمان، و کمی نفراتمان، خدایا این گرفتاریها را از ما بگشا، به گشایشی از جانب خویش که آن را

تُعَجِّلْهُ ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ ، وَامَامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ ؛ اِلَهَ الْحَقِّ

زود برسانی، و نصرتی از سوی خود که با عزت تو آتش فرمایی، و پیشوای عدالتی که آشکارش سازی، ای پرستیده حق

آمِينَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ اَنْ تَاذِنَ لَوْلِيَّكَ ، فِي اِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي

آمین، خدایا از تو می خواهیم، به ولی ات برای آشکار کردن دادگری در میان

عِبَادِكَ ، وَقَتْلِ اَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا

بندگان، و کشتن دشمنان در کشور هایت اجازه دهی، تا ستونی برای ستم، ای

رَبِّ دِعَامَةٍ ، اِلَّا قَصَمْتَهَا ، وَلَا بَقِيَّةً اِلَّا اَفْنَيْتَهَا ، وَلَا قُوَّةَ

پروردگارم باقی نگذاری مگر آنکه درهم شکنی، و نه باقی مانده ای جز آنکه نابود گردانی، و نه نیرویی

اِلَّا اَوْهَنْتَهَا ، وَلَا رُكْنًا اِلَّا هَدَمْتَهُ ، وَلَا حَدًّا اِلَّا فَلَطْتَهُ ،

مگر سستش نمایی، و نه پایه ای جز آنکه درهم فرو ریزی، و نه برنده ای جز آنکه کند کنی،

وَلَا سِلَاحًا اِلَّا اَكَلْتَهُ ، وَلَا رَايَةً اِلَّا نَكَسْتَهَا ، وَلَا شُجَاعًا

و نه اسلحه ای جز آنکه از کار اندازی، و نه پرچمی جز آنکه سرنگون سازی، و نه پهلوانی

اِلَّا قَتَلْتَهُ ، وَلَا جَيْشًا اِلَّا خَذَلْتَهُ ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ

جز آنکه به قتل رسانی، و نه لشگری جز آنکه شکست دهی، و سنگ باران شان کن، به سنگ

الدَّامِغِ ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ ، وَبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ

درهم کوبندهات، و بزن آنان را به شمشیر برندهات، و انتقامت که آن را از مردمان

الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ، وَعَذِّبْ اَعْدَاءَكَ وَاعْدَاءَ وَلِيِّكَ ، وَاعْدَاءَ

بدکار بازمی گردانی، و عذاب کن دشمنانت، و دشمنان ولی ات و دشمنان

دُعَا وَغَيْبِ اَمَامِ عَلِيِّ بْنِ اَبِي تَالِبٍ

رَسُولِكَ ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِيَدِ وَلِيِّكَ ، وَ آيْدَى عِبَادِكَ

رسولت (دروود تو بر او و خاندانش) به دست ولایت و دست بندگان

الْمُؤْمِنِينَ . اَللّٰهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي اَرْضِكَ هَوْلَ

با ایمانت. خدایا کفایت کن ولیات، و حجتت را در زمین، از هراس

عَدُوِّهِ ، وَكَيْدَ مَنْ ارَادَهُ ، وَاَمْكُرْ بَيْنَ مَكْرَبِهِ ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ

دشمنش، و از نیرنگ هر که قصد او کند، و حيله کن با هر که به او حيله ورزد، و بگردان گردشهای

السَّوْءِ عَلَى مَنْ ارَادَ بِهِ سَوْءًا ، وَاَقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ ، وَاَرْعِبْ لَهُ

بد روزگار را عليه هر کس که به او قصد بد کند، و ریشه آنها را از او قطع کن، و رعب او را

قُلُوبَهُمْ ، وَ زَلْزِلْ اَقْدَامَهُمْ ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً ، وَشَدِّدْ

در دلهای آنان در انداز، و قدمهایشان را بلغزان، و آنها را آشکارا و ناگهان بگیر، و عذابت را

عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ ، وَ اخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ ،

بر آنان سخت کن، و در میان بندگان رسوایشان ساز، و در کشورهايت به لعنت گرفتارشان گردان،

وَاسْكِنَهُمْ اَسْفَلَ نَارِكَ ، وَاحِطٌ بِهِمْ اَشَدَّ عَذَابِكَ ، وَاصْلِهِمْ

و در قعر آتش جایشان ده، و شدیدترین عذابت را بر آنان فرو انداز، و با آتش دوزخ

نَارًا ، وَاحِشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا ، وَاصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ ، فَانْتَهُم

ملازمشان نما، و گورهای مردگانشان را از آتش پر کن، و در سوز آتشت واردشان ساز، که اینان

اَضَاعُوا الصَّلَاةَ ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ، وَاضْلَوْا عِبَادَكَ ،

نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند، و بندگان را به گمراهی کشیدند،

[وَ اخْرَبُوا بِلَادَكَ] . اَللّٰهُمَّ وَاَحْيِ بَوْلِيَّكَ الْقُرْآنَ ، وَارِنَا نَوْرَهُ

و کشورهايت را ویران کردند. خدایا به دست ولیات قرآن را زنده کن، و همیشه نورش را

سَرْمَدًا لَا لَيْلَ فِيهِ ، وَاحْيِ فِي الْقُلُوبِ الْمَيِّتَةِ ، وَاشْفِ بِهِ

به ما بنمایان که شبی در آن نباشد، و دلهای مرده را به وسیله او زنده کن، و سینههای آکنده

الصُّدُورِ الْوَغِيرَةِ ، وَاجْمَعْ بِهِ الْاَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ ، وَاقِمِ

از کینه را به او بهبودی بخش، و آرای پراکنده را به دست او بر پایه حق گرد آور،

بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ ، وَالْاَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ

و حدود معطل شده و احکام فرو گذاشته را به او بر پا بدار، تا حقی بجا نماند

دُعَا وَغَيْبِ اِمَامِ مَعْبُودِ عَجَبِ اللّٰهِ فَرَجِ

إِلَّا ظَهَرَ ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ ،

جز آنکه آشکار گردد، و نه عدالتی جز آنکه شکوفا شود، و قرار ده ما را ای پروردگار از یاران

وَمُقَوِّیَةِ سُلْطَانِهِ ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ ،

و نیرودهندگان سلطنت و فرمانبرداران فرمان و خشنودان به عمل

وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ ، وَمَنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ ،

و تسلیم شوندگان به احکامش، و از آنانی که نیاز به پنهان کاری از بیم مردم نداشته باشند،

وَأَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ ،

و تو ای پروردگارم که گرفتاری را برطرف می کنی، و بی چاره را اگر خواندت اجابت می کنی،

وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ ،

و نجات می دهی از اندوه بزرگ، پس گرفتاری را از ولی ات برطرف کن،

وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ ، كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ . اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي

و او را خلیفه خود، در زمینت قرار ده، چنان که برای او تعهد نموده ای. خدایا، ما را قرار مده،

مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ

از روبرو شدگان با خاندان محمد (درود بر ایشان)، و از دشمنان

آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ ،

خاندان محمد (درود بر ایشان)، و از کینه دوزان بر خاندان محمد (درود بر ایشان)،

عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي ،

که من از این امور به تو پناه می آورم، پس پناهم بده، و از تو پناه می خواهم،

وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

پس در پناهم بگیری، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ .

و مرا از جانب خود به وسیله ایشان رستگار کن، در دنیا و آخرت، و از مقربان درگاهت قرار ده،

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

آمین ای پروردگار جهانیان.

هشتم: در آداب زیارت به نیابت است. بدانکه ثواب زیارت

آداب زیارت نیابت

هر یک از رسول خدا، و ائمه هدی علیهم السلام را می توان هدیه به روح مقدّس هر یک از آنان نمود، و همچنین به روح هر یک از مؤمنان می توان هدیه کرد، و نیز می توان به نیابت از ایشان زیارت نمود، چنان که به سند معتبر نقل شده: داود صرمی به حضرت هادی علیه السلام عرضه داشت: من پدر شما را زیارت کردم، و ثوابش را برای شما قرار دادم. فرمود: برای تو از جانب خدا، پاداش و ثواب بزرگی است، و از جانب ما ستایش و ثنا. و در حدیث دیگری وارد شده: حضرت هادی علیه السلام شخصی را به حایر امام حسین علیه السلام فرستاد که برای حضرت زیارت و دعا کند. هم به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده: چون به زیارت مرقد منور رسول خدا صلی الله علیه و آله بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی، دو رکعت نماز بخوان، و نزد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَزَوْجَتِي ، وَوَلَدِي

سلام بر تو ای پیامبر خدا، از سوی پدر و مادر و همسر و فرزند

وَحَامَّتِي ، وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي ، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ ، وَأَبْيَضِهِمْ

و نزدیکانم و از سوی تمامی اهل شهرم، آزاد و برده شان و سپید

وَأَسْوَدِهِمْ . پس به هر کس از شهر خود بگویی که من به و سیاه شان.

نیابت از تو، به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام دادم، راستگو خواهی بود.

آداب زیارت نیابت

و در بعضی از روایات وارد شده : از بعضی از ائمه طاهرین پرسیدند: از مردی که دو رکعت نماز بجا می آورد، یا یک روز روزه می دارد، یا حجّ و عمره بجا می آورد، یا رسول خدا ﷺ یا یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام را زیارت می کند، و ثواب آن را برای پدر و مادر خود، یا برادر مؤمن خود هدیه می کند، آیا برای او ثوابی هست؟ فرمود: ثواب آن عمل به آن شخص می رسد، بدون اینکه از ثواب نایب چیزی کم شود. شیخ طوسی رحمته الله در کتاب تهذیب فرموده: کسی که با گرفتن اجرت، به نیابت برادر مؤمن به زیارت می رود، چون از غسل زیارت فارغ شود، [و موافق بعضی از نسخه ها: از عمل زیارت فارغ گردد] بگوید: اَللّٰهُمَّ مَا اَصَابَنِيْ مِنْ تَعَبٍ اَوْ نَصَبٍ ، اَوْ شَعَثٍ اَوْ لُغُوْبٍ ،

خدا یا آنچه به من رسیده: از خستگی، ماندگی، ژولیدگی، کوفتگی،

فَاجِرُ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ فِيْهِ ، وَاَجْرُنِيْ فِيْ قَضَائِيْ عَنْهُ . پس چون

پس به خاطر آن فلان فرزند فلان را پاداش ده، و مرا هم در بجا آوردنم از جانب او پاداش عنایت کن.

زیارت کند در آخر زیارت بگوید: اَلسَّلَامُ عَلَيكَ يَا مَوْلَايَ

درد بر تو ای سرورم

عَنْ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ ؛ اَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ ، فَاشْفَعْ لِيْ عِنْدَ رَبِّكَ .

از فلان فرزند فلان، آمدم نزد تو زیارت کننده از طرف او، پس برای او نزد خدا شفاعت کن.

پس هر دعا را که خواهد برای او بنماید، و نیز فرموده:

آداب زیارت نیابت

چون کسی بخواهد، به نیابت دیگری زیارت کند بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ ، اَوْفَدَنِيْ اِلَى مَوَالِيهِ وَمَوَالِيَّ ، لِاُزَوِّرَ

خدایا فلان فرزند فلان مرا به نمایندگی، به جانب سرپرستانش و سرپرستانم فرستاده، تا از جانب

عَنْهُ ، رَجَاءٌ لِّجَزَائِلِ الثَّوَابِ ، وَفِرَارًا مِنْ سَوْءِ الْحِسَابِ . اَللّٰهُمَّ

او زیارت کنم، به امید پاداش فراوان، و گریز از بدی حساب. خدایا

اِنَّهُ يَتَوَجَّهْ اِلَيْكَ بِاَوْلِيَائِهِ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ ، فِى غُفْرَانِكَ ذُنُوبِهِ ،

او به درگاهت توجّه می کند، به وسیله سرورانش، آن دلیان بر تو، در جهت آمرزش گناهانش،

وَ حَطِّ سَيِّئَاتِهِ ، وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهِمْ (بِاَوْلِيَائِكَ) عِنْدَ مَشْهَدٍ

و فرو ریزی بدیهایش، و به توسل ایشان به تو توسل می جوید، کنار زیارتگاه

اِمَامِهِ ، صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ . اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ ، وَاَقْبَلْ

امامش (درود خدا بر ایشان). خدایا از او بپذیر،

شَفَاعَةَ اَوْلِيَائِهِ ، صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ فِيهِ . اَللّٰهُمَّ جازِهِ عَلَى

و شفاعت سرورانش را (درود خدا بر ایشان) درباره او قبول کن، خدایا پاداشش ده

حُسْنِ نِّيَّتِهِ ، وَصَحِيحِ عَقِيدَتِهِ ، وَ صِحَّةِ مُوَالَاتِهِ ، اَحْسَنَ

بر این خوبی نیتش، و باور صحیحش، و درستی دوستی اش، بهترین

مَا جازِيَتْ اَحَدًا مِنْ عَبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَ اَدِمْ لَهُ مَا خَوَّلْتَهُ ،

پاداشی که به یکی از بندگان مؤمنت عطا کنی، و تداوم بخش برای او آنچه که او را مالکش نمودی،

وَاسْتَعْمِلْهُ صَالِحًا فَمَا آتَيْتَهُ ، وَ لَا تَجْعَلْنِيْ اٰخِرَ وَاَفِدٍ لَهُ يَوْفِدُهُ .

و به شایستگی وادارش در آنچه به او مرحمت فرمودی، و مرا آخرین نماینده ای که می فرستد قرار مده،

اَللّٰهُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ ، وَ اَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ ،

خدایا او را از آتش رهایی بخش، و از روزی حلال پاکیزه ات،

الْحَلَالِ الطَّيِّبِ ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَارِكْ

بر او وسعت ده، و او را از رفقای محمد و خاندان محمد قرار بده، و به او

لَهُ فِي وُلْدِهِ وَمَالِهِ وَاهْلِهِ ، وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى

در فرزندان مال و اهل و زیردستانش برکت ده، خدایا بر

آداب یارت نبیت

مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ ، حَتَّى

محمد و خاندان محمد درود فرست، و میان او و نافرمانیهای پرده شو، تا تو را

لَا يَعْصِيكَ ، وَأَعِنَهُ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ ، حَتَّى

نافرمانی نکند، و او را بر طاعت خویش و طاعت اولیای یاری رسان، تا در هر جا

لَا تَفْقِدَهُ حَيْثُ أَمَرْتَهُ ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ

فرمانش داده ای مفقودش نبینی، و او را در هر جا نهی نموده ای مشاهده ننمایی. خدایا بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَاعْفُ عَنْهُ ،

و خاندان محمد درود فرست، و او را بیامرزد، و مورد رحمتش قرار ده،

وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و از او و همه مردان و زنان مؤمن گذشت کن. خدایا بر محمد و خاندان محمد

مُحَمَّدٍ ، وَأَعِذْهُ مِنْ هَوْلِ الْمَطْلَعِ ، وَمِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ،

درود فرست و پناهش ده از هراس روز جزا، و از وحشت روز قیامت

وَسَوْءِ الْمُنْقَلَبِ ، وَمِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ ، وَمِنْ مَوَاقِفِ

و بدی بازگشتگاه و تاریکی و وحشت قبر، و از توقفگاههای

الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

خواری در دنیا و آخرت. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ ، وَتُحَفَّتَهُ فِي

و جایزه او را در این جایی که ایستاده ام امرزش قرار بده، و تحفه اش در

مَقَامِي هَذَا عِنْدَ اِمَامِي ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ ، اَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ ،

این جایگاهم نزد امامم (درود بر او) این باشد که از لغزشش چشم بپوشی،

وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتَهُ ، وَتَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ ، وَتَجْعَلَ التَّقْوَى

و عذرش را بپذیری، و از خطایش درگذری، و تقوا را توشه اش

زَادَهُ ، وَمَا عِنْدَكَ خَيْرًا لَهُ فِي مَعَادِهِ ، وَتَحْشُرَهُ فِي زُمْرَةِ

قرار دهی، و آنچه نزد توست در معادش برای او خیر گردانی، و در گروه

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ ،

محمد و خاندان محمد (درود خدا بر او و خاندانش) محشورش نمایی، و او را و پدر و مادرش را بیامرزی،

آدابِ یارتِ بنیاد

فَاتَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ إِلَيْهِ ، وَ أَكْرَمُ مَسْئُولٍ اعْتَمَدَ الْعِبَادُ عَلَيْهِ .

تو بهترین کسی هستی که به سویِ رغبت شده، و بزرگترین درخواست شده‌ای هستی که بندگان بر تو اعتماد

اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مَوْفِدٍ جَائِزَةٌ ، وَلِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةٌ ، فَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ

می‌نماید، خدایا برای هر پیکری جایزه‌ای است، و برای هر زیارت کننده‌ای کرامتی است، پس جایزه

فِي مَوْقِفِي هَذَا غُفْرَانِكَ ، وَالْحِجَّةَ لَهُ ، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

او و همه مردان و زنان مؤمن را در این حال آمرزش و بهشت

وَالْمُؤْمِنَاتِ . اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنِبُ ، الْمُقَرَّبُ بِذُنُوبِهِ ،

قرار ده، خدایا و من بنده خطاکار، گنهکار و معترف به گناهانم هستم،

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، أَنْ لَا تَحْرِمَنِي بَعْدَ

از تو می‌خواهم ای خدا، به حق محمد و خاندان محمد، که پس

ذَلِكَ الْآجَرَ وَالْثَوَابَ ، مِنْ فَضْلِ عَطَائِكَ ، وَكَرَمِ

از این اجر و پاداش، از فزونی عطایت و کرم تفضلت

تَفَضُّلِكَ . آنگاه نزد ضریح مقدس رفته و دستها را رو به

مرا محروم نکنی.

قبله به سوی آسمان بردارد و بگوید: يَا مَوْلَايَ يَا إِمَامِي ،

ای سرور من، ای پیشوای من،

عَبْدُكَ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ ، أَوْ فَدَنِي زَائِرًا لِمَشْهَدِكَ ، يَتَقَرَّبُ إِلَى

بندهات، فلان فرزند فلان، مرا به نمایندگی به زیارت بارگاهت فرستاده، و با این عمل، به پیشگاه

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ ، وَإِلَى رَسُولِهِ وَآلِيكَ ، يَرْجُو بِذَلِكَ فَكَأَنَّ

خدای عز و جل و رسولش و به سوی تو تقرّب می‌جوید، و با این عمل

رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعُقُوبَةِ ، فَاعْفِرْ لَهُ ، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

آزادیش را از آتش، و از عقوبت امید دارد، پس او و همه مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ . يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ؛

و زنان مؤمن را بیامرز ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای خدا،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ،

معبودی نیست جز خدای بردبار کریم، معبودی نیست جز خدای والای بزرگ،

آدابِ یارتِ نیابت

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ،

از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و دعایم را درباره آنکه مرا نماینده خود قرار داده،

وَفِي جَمِيعِ إِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَوَلَدِي وَأَهْلِي؛ بِجُودِكَ

و همه برادران و خواهران و فرزندان و خانواده‌ام اجابت کنی، به جود

وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و کرم‌ت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

مقدمه سئالہ الباقیات الصالحات

سئالہ

«الباقیات الصالحات»

فی الأدعیۃ الصلوٰات المذہبات

سئالہ الباقیات الصالحات دُعائے نمازهای مستحب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ ، وَ نَدَبَ عِبَادَهُ إِلَى الدُّعَاءِ ،

ستایش خدا را که آسمان را برافراشت، و بندگانش را به جانب دعا تشویق نمود،

و الصَّلَاةَ وَ السَّلَامَ عَلَى مَنْ قَدَّمَ وَ فِي الإِصْطِفَاءِ ، مُحَمَّدٍ خَاتِمِ

و درود و سلام بر وجود کسی که او را در برگزیدن مقدم داشت، یعنی محمد خاتم

الأنبياء، وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، سَيِّمًا عَلَى قَائِمِهِم

پیامبران، و بر خاندان پاکش، چراغهای تاریکی به ویژه بر قائم آنان

خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ.

خاتم جانشینان.

و بعد چنین گوید: این گنهکار روسیاه، و مقصر در گاهِ اله، عباس بن محمد رضا القمی که این مجموعه ای است، مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه روز، و ذکر بعضی از نمازها که در روایات آمده، و پاره ای از عوذات و احراز [دعاهایی که برای پناه جستن از خطرات خوانده می شود]، و اذکار، و دعاهای کوتاه، و خواصّ بعضی از سوره ها و آیات، و چکیده ای از آداب اموات، آنها را جمع کردم، تا

مقدمه سأل الباقیات الصالحات

به «مفاتیح» ضمیمه گردد، و این کتاب شریف از هر جهت کامل و نفعش تمامتر شود، آن را نامیدم به «الْبَاقِیَاتُ

الصَّالِحَاتُ فِي الْأَدْعِيَّةِ وَالصَّلَوَاتِ الْمُنْدُوبَاتِ». قَالَ اللَّهُ

خدای تعالی

تَعَالَى: ﴿وَالْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا

فرمود: باقیات صالحات [کارهای پایدار و شایسته] نزد پروردگارت، از جهت پاداش

و خَيْرٌ أَمَلًا. ﴿۴۶﴾

و آرزو بهتر است. [کهف، ۴۶]

و آن را بر شش باب و یک خاتمه مرتب ساختم:

باب اوّل: در بیان مختصری از اعمال شب و روز.

باب دوّم: در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّ.

باب سوّم: در بیان دعاها و عوذات مربوط به دردها و

بیماری‌ها و نقص و ناراحتی اعضای بدن و تب و غیره.

باب چهارم: در بیان دعاهایی که از کتاب شریف کافی

انتخاب شده.

باب پنجم: در ذکر بعضی از آحراز [جمع حرز به معنای

دعای نگاهداشت و پرهیز] و دعاهای کوتاه، که از کتاب

«مُهَجِّ الدَّعَوَاتِ» و کتاب «مَجْتَنِي» گرفته شده.

باب ششم: در ذکر خواصّ بعضی از سوره‌ها و آیات، و ذکر

اعمال باین طلوع و غروب آفتاب

برخی از دعاها و مطالب متفرقه.

خاتمه: در مختصر و مجملی از احکام اموات.

رجای واثق و امید صادق که برادران مؤمن و شیعیان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این گنهکار عاصی را از دعا، و طلب مغفرت در حال حیات، و پس از ممات فراموش نفرمایند.

باب اول: در بیان مختصری از اعمال شب و روز که مثل بر خیزد

فصل اول: اعمال مربوط به باین طلوع و غروب آفتاب

بدان که از جمله اوقات شریف بین الطلوعین [زمان بین طلوع فجر صادق و طلوع خورشید] است، و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت این وقت، و تشویق بر عبادت، و ذکر و تسبیح در آن وارد شده، و در برخی اخبار، از این وقت تعبیر به ساعت غفلت شده، چنان که از حضرت محمد باقر علیه السلام روایت شده: ابلیس رانده شده لشگرهای خویش را، در دو وقت پراکنده می سازد: وقت غروب آفتاب، و زمان طلوع آن، پس در این دو ساعت، خدا را بسیار یاد کنید، و از شرّ ابلیس و لشگرش، به خدا پناه بجوئید، و در این دو ساعت کودکان خود را به پناه خدا در آورید، زیرا آن دو

اعمال بامین طلوع و محب و طلوع آفتاب

ساعت، ساعت غفلت است. و بدان که خواب در این دو وقت مکروه است. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده: خواب در وقت صبح خوابی است شوم و مانع روزی است، و رنگ رخسار را زرد و دگرگون می کند، و به درستی که حق تعالی روزی ها را در مابین طلوع فجر، تا طلوع آفتاب قسمت می کند، بنابراین از خوابیدن در این وقت بپرهیزید شیخ طوسی این دعا را در کتاب «مصبح» نقل کرده است که در وقت طلوع فجر صادق خوانده شود.

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ صَاحِبُنَا ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ ، وَاَفْضَلْ عَلَيْنَا

خدایا تو یاور مایی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر ما فزونی بخش،

اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ ،

خدایا به نعمت تو کارهای شایسته به پایان می رسد، پس بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَاَتَمِّمَهَا عَلَيْنَا ، عَائِذَا بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ ، عَائِذَا بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ ، عَائِذَا

و آنها را برای ما به پایان رسان، و آنها را از آتش، پناهندهام به خدا از آتش، پناهندهام

بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ . سپس می گویی: يَا فَالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا اَرٰى ،

به خدا از آتش ای شکافنده سپیده از جایی که نمی بینم،

وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ اَرٰى ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ ، وَاجْعَلْ اَوَّلَ

و بیرون آورنده آن از جایی که می بینم، بر محمد و خاندانش درود فرست، و قرار ده آغاز

يَوْمِنَا هَذَا صَلاَحًا ، وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا ، وَاٰخِرَهُ نَجَاحًا . آنگاه ده

این روز را شایستگی، و میانه اش را رستگاری، و پایانش را کامیابی،

مرتبه می گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُشْهِدُكَ اَنْهُ مَا اَصْبَحَ بِيْ مِنْ نِّعْمَةٍ ،

خدایا من تو را گواه می گیرم که هر چه سپیده دمان به من می رسد، از نعمت

اعمال باین طلوع محب و طوع آفتاب

أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا ، فَمِنْكَ وَحَدَّكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ ، لَكَ

یا سلامت کامل در دین یا دنیا تنها از جانب توست، یگانه‌ای و برای تو شریکی نیست، تو را

الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى ، حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا .

ستایش و بر من است سپاس بر آن، تا خشنود شوی، و بالاتر از خشنودی.

و ذکرهای وارد برای این وقت، غیر از آنچه ذکر شد بسیار

است، و بهترین آنها ذکر «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

خدا پاک و منزّه است و ستایش تنها او را سزااست و خدایی جز او نیست

اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» است که از آن به «باقیات صالحات» تعبیر

و خدا بزرگ‌تر از هر وصفی است.

شده و نیز خواندن این دعاست: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ،

معبودی جز خدا نیست،

لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ؛ يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ

یگانه است و شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش از آن اوست، زنده می‌کند، و می‌میراند و می‌میراند

وَيُحْيِي ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ؛ بِيَدِهِ الْخَيْرُ ؛ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که نمی‌میرد، خیر تنها به دست اوست، و او بر هر چیز

قَدِيرٌ. چون ندای اذان صبح را شنیدی می‌گویی: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

تواناست. خدا یا از تو

أَسْأَلُكَ بِاقْبَالِ نَهَارِكَ ، وَادْبَارِ لَيْلِكَ ، وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ ،

می‌خواهم به آمدن روزت، و رفتن شب، و رسیدن نمازهایت،

وَأَصْوَاتِ دُعَائِكَ ، وَتَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و بانگهای دعا، و تسبیح فرشتگانت، اینکه بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ ؛ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

و خاندان محمد درود فرستی، و توبه‌ام را بپذیری، که تویی توبه‌پذیر و بخشنده.

چون خواستی به نماز رو کنی، ولی به رفتن به بیت الخلاء

آداب بیت‌الخلاء

نیازمندی، پس به آن ابتدا کن، و آداب آن بسیار است، و پاره‌ای از آن به طور اختصار این است که پای چپ را وقت وارد شدن مقدّم بداری و بگویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ ، الْخَبِيثِ

به نام خدا و به وسیله خدا، پناه می‌برم به خدا از پلید، ناپاک

الْمُخْبِثِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

آلوده، شیطان رانده شده.

چون لباس به یک سو قرار دادی بِسْمِ اللَّهِ می‌گویی، و واجب در این حال، بلکه در تمام حالات، پوشاندن عورت، از بیننده محترم است. و در این حال به طرف قبله، و پشت به قبله نشستن حرام می‌باشد، و مستحب است در حال قضای حاجت بگویی: اَللّٰهُمَّ اطْعِمْنِي طَيِّبًا فِي

خدا یا در تندرستی کامل غذای

عَافِيَةٍ ، وَ اَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثًا فِي عَافِيَةٍ . و زمانی که بر آنچه

پاک به من بخوران، و در سلامت کامل، آن را از من، ناپاک خارج کن.

از تو دفع شد، نگاهت افتاد بگو: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ ،

خدا یا حلال روزی‌ام فرما،

وَ جَنِّبْنِي الْحَرَامَ.

و از حرام برکنارم دار.

چون خواستی از بول تطهیر کنی، اول استبراء می‌نمایی، سپس دعای رؤیت آب را می‌خوانی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

ستایش خدای را

آداب وضو

الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا. و در وقت طهارت

که آب را پاک کننده قرار داد، و آن را ناپاک نگرداند

از بول می گویی، اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِيْ وَاعِفِّهِ، وَاسْتُرْ عَوْرَتِيْ،

خدایا عضو جنسی ام را از گناه نگاهدار، و آن را عفیف گردان، و عورت من را بپوشان،

وَحَرِّمْنِيْ عَلَى النَّارِ. و چون از جای خود برخاستی، دست

و آتش را بر من حرام کن.

راست را بر شکم خود می کشی و می گویی: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

ستایش خدای را،

أَمَاطَ عَنِّيْ الْأَذَى، وَ هَنَّانِيْ طَعَامِيْ وَ شَرَابِيْ، وَ عَافَانِيْ مِنْ

که آزار را از من دور ساخت، و خوراک و نوشیدنی ام را بر من گوارانمود، و از بلا به

الْبَلَوِ. آن گاه با مقدم نمودن پای راست بر پای چپ از

سلامت داشت.

آنجا بیرون می آیی، و این دعا را می خوانی: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

ستایش خدای را،

عَرَّفَنِيْ لَذَّتِهِ، وَ أَبْقَى فِيْ جَسَدِيْ قُوَّتَهُ، وَ أَخْرَجَ عَنِّيْ أَذَاهُ؛

که لذت غذا را به من شناساند، و نیروی آن را در پیکرم باقی گذاشت، و آزارش را از من بیرون کرد،

يَا لَهَا نِعْمَةٌ، يَا لَهَا نِعْمَةٌ، يَا لَهَا نِعْمَةٌ، لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا.

وه که چه نعمتی، وه که چه نعمتی، سنجش گران توان سنجیدن آن را ندارند.

چون خواستی وضو بگیری، با مسواک آغاز کن، که دهان

را پاکیزه، و بلغم را برطرف، و نیروی حافظه را زیاد می کند،

و موجب فزونی حسنات و خشنودی حق تعالی است، و دو

رکعت نماز با مسواک، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون

مسواک است، و اگر مسواک نباشد، انگشت نیز کفایت

می کند. و سزاوار است وقت وضو گرفتن به طرف قبله

آداب وضو

بنشینی، و ظرف آب را در جانب راست خود گذاری،
و چون نگاهت به آب افتاد، این دعا را بخوانی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا ، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا . پس

ستایش خدای را که آب را پاک کننده قرار داد، و آن را ناپاک نگردانید.

دست خود را پیش از آن که داخل ظرف آب کنی
می شویی، و به هنگام وارد کردن دست در ظرف آب
می گویی: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ . اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ ،

به نام خدا، و به ذات خدا، خدایا مرا از توبه کنندگان،

وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ . پس سه بار به سه کف آب،
و پاکی طلبان قرار ده.

مضمضه [آب در دهان گرداندن] می کنی و می گویی: اَللَّهُمَّ

خدایا

لِقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكَ ، وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرَاكَ . پس سه بار

روزی که ملاقات می کنم دلیل محکم را به من تلقین فرما، و زبانم را به ذکر تو گویا کن.

استنشاق می کنی و می گویی: اَللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ ،

خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن،

وَاجْعَلْنِي مِّنْ يُّشْمُ رِيحَهَا ، وَرَوْحَهَا وَطِبَّهَا . و در آغاز

و از کسانی قرار ده که بو و نسیم و عطر آن را ببوید.

شستن صورت می گویی: اَللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ

خدایا چهره ام را سپید کن، روزی که چهره ها

الْوُجُوهُ، وَلَا تَسْوَدِّ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ الْوُجُوهُ .

سیاه می شود، و چهره ام را سیاه مکن، روزی که چهره ها سپید می گردد.